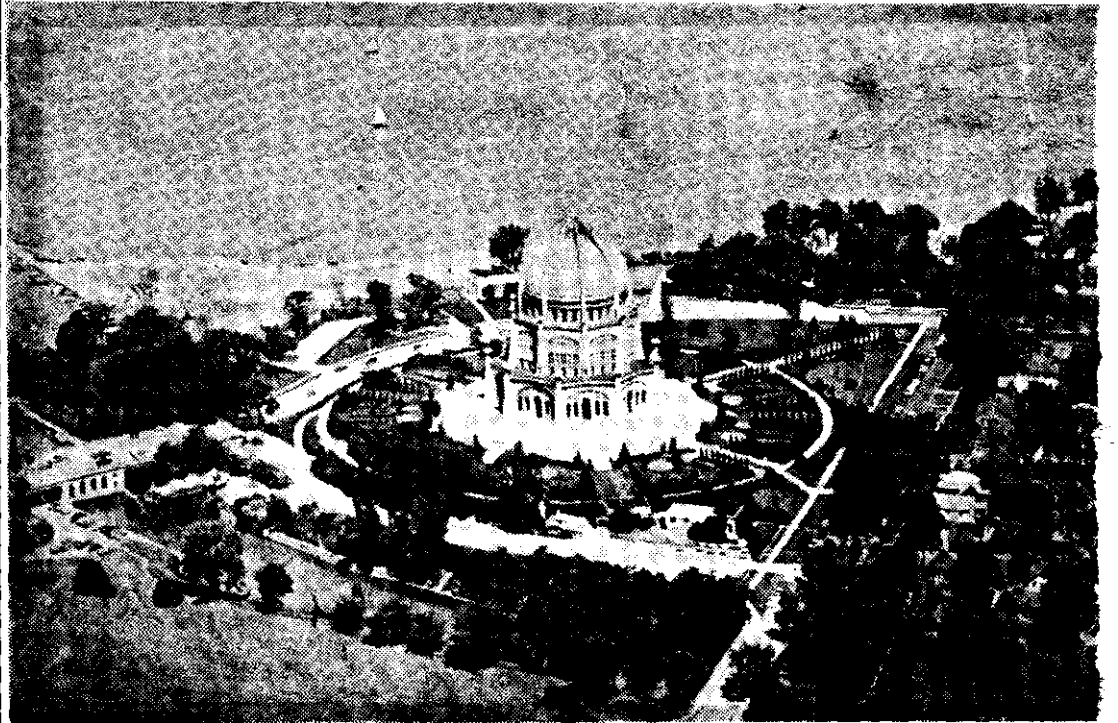


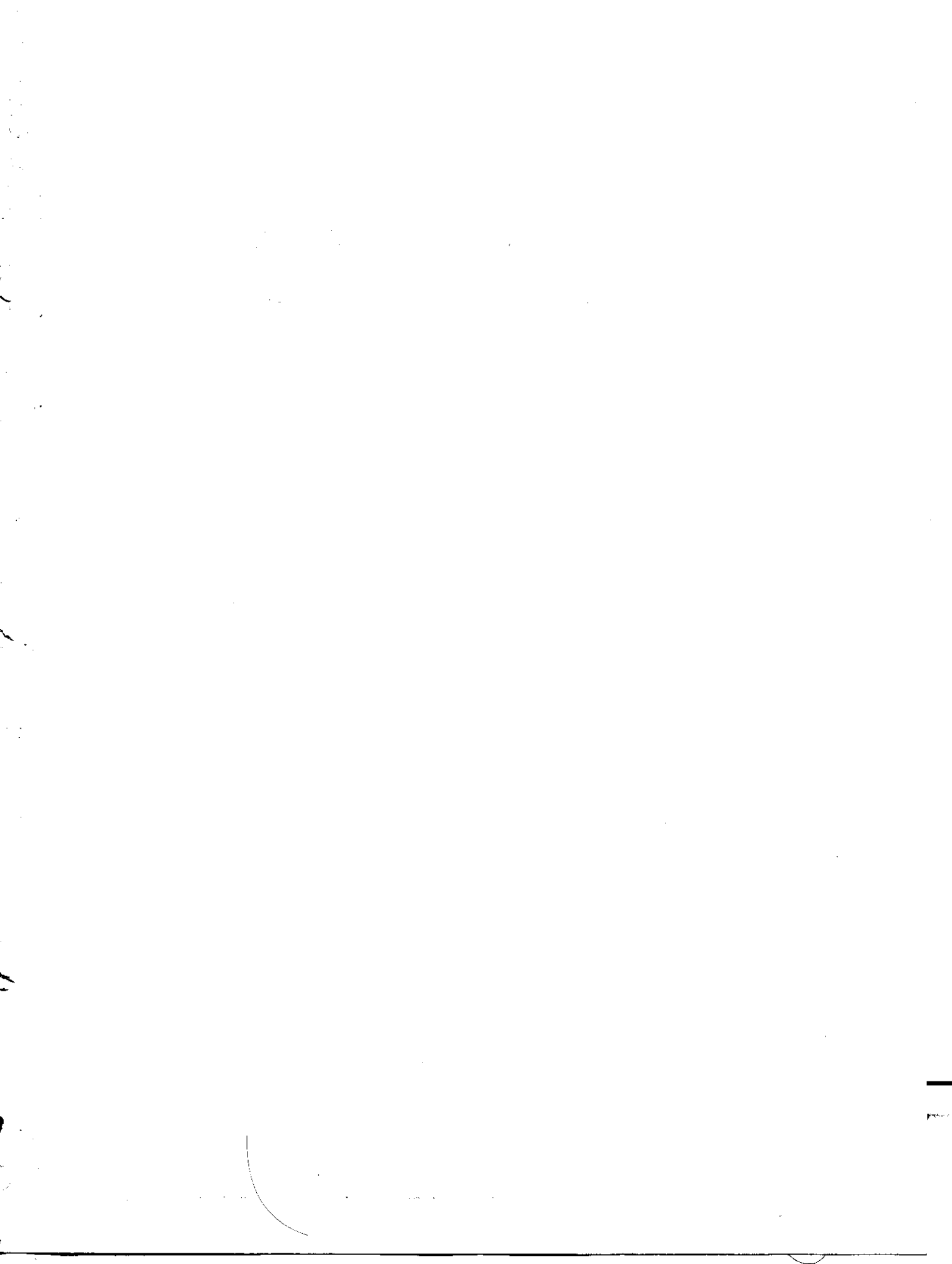
پندرہویں

۱۲۵۰



۱۲۵۰





اجباراً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند
و در امر سیاستی مداخله نمایند. حضرت عبدالبهاء

آهنگت بدیع

مخصوص جامعه بهائی است

شماره شصت و یک

شهر بهار - شهر بحرال ۱۱۹

فروردین ۱۳۴۱ - مارس، آوریل ۱۹۶۲

شماره ۱ سال ۱۲

فهرست مندرجات

صفحه

—	۱- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء جل ثناء
۳	۲- سرآغاز
۴	۳- سالی که در پیش است
۶	۴- الخیر فی ما وقع
۱۱	۵- ایادی امرالله - جناب سید مصطفی رومی
۱۴	۶- گل و بهار (شعر - از جناب نعیم)
۱۵	۷- داغ لاله
۱۶	۸- موفقیت یک جوان مهاجر
۱۸	۹- لوح ابن زئب
۲۱	۱۰- پیغام آشنا
۲۲	۱۱- جواب بمسئولات
۲۴	۱۲- درود بتسوا ای مهاجر عزیز
۲۵	۱۳- معرفی کتاب (احسن التقویم یا کلزار نعیم)
۲۶	۱۴- جدول آهنگ بدیع شماره ۸
۲۷	۱۵- آهنگ بدیع و خوانندگان

خداوند مهربان
پروردگار من
و رحمت تو را
پسندم که مرا
از همه گناهان پاک
کند و بهشت را
برای من مقرب کند

ایستادگان کجاست

خداوند پروردگار من

ندیده باشم تویم و شنیده باشم ندیدم
چون می بینم تمام عالم را

است چه هزاران مرتبه از عجز کرده بشود
و امانت هر چه بر دوش است

و شرف تو تمام دنیا را بگسلد
چون که اولت را بر عجز می رسد

که نسبت ملکوت تو بروج وین
بیشتر است از مشول و مالوف

و البته عجز و خفت است ایستادگان
در هر جا که ایستاده باشند

شما خلاصه کرد در راه است
مستحقان و بیگانهان

نظیر سوار گری با کسی
بامرد می رسد که بگردد

بشارت ملکوت است ایستادگان
در هر جا که ایستاده باشند

از کین زین است ایستادگان
در هر جا که ایستاده باشند

و مقرر است از سر راهی در راه اصل او است
چون که می بینم تمام عالم را
و شرف تو تمام دنیا را بگسلد
چون که اولت را بر عجز می رسد
که نسبت ملکوت تو بروج وین
بیشتر است از مشول و مالوف
و البته عجز و خفت است ایستادگان
در هر جا که ایستاده باشند
شما خلاصه کرد در راه است
مستحقان و بیگانهان
نظیر سوار گری با کسی
بامرد می رسد که بگردد
بشارت ملکوت است ایستادگان
در هر جا که ایستاده باشند
از کین زین است ایستادگان
در هر جا که ایستاده باشند

طوبى لمن فاز باليوم الاول من شهرالجبها
الذى جعله الله لهذا الاسم العظيم *

در این ایام که نهمین نوروز از شروع جهاد کبیر اکبر روحانی فرارسیده و نقشه الهیه ایکه بدست توانای حضرت ولی محبوب امرالله ترسیم و تنفیذ یافته بهر حال اخیره خود نزدیک میشود اعضای هیئت تحریریه " آهنگ بدیع" باقلوب مشتاق تحیات خالصانه خود را حضور عموم احبای عزیز الهی تقدیم داشته امیدوارند یاران حضرت رحمن در این شهر محدود با استظهار بتأییدات لاریبه جمال اقدس الهی با قیام و اقدام عاشقانه در نیل با اهداف باقیمانده این جهاد روحانی توفیق یابند و با پیروزی کامل بسر منزل مقصود - واصل شوند .



سراغاز

در موقعیت خدایر کنونی جامعه بهائی یعنی
آغاز آخرین سنه باقیمانده از نقشه دهساله جهاد -
جهانی هفدهمین سال انتشار آهنگ بدیع را با امید
غراوان بعنایات و تائیدات لایزال نهاییه مری اعظم عالم انسان
آغاز میکنیم .

عظمت و ثقل وظایف مهمه و خطیره ای که در این
سال بردوش جامعه اهل بها در سراسر جهان و جمیع
تشکیلات و تاسیسات امریه در اقطار مختلفه عالم متحول
است بیش از هر زمان دیگر ما را محتاج تائیدات غیبیه
آنمولای عالمیان مینماید .

مادر آغاز هر سال امیدوار بوده ایم که بتوانیم
با عون و حمایت جمال قدم و توجه و همکاری دوستان
ارجمند وظایف خویش را بنحو احسن انجام دهیم و در
آغاز هفدهمین سال آهنگ بدیع نیز جان و دل ما از
این امید سرشار است .

شاید در سالهای گذشته نتوانسته باشیم آهنگ
بدیع را چنانکه سزاوار و شایسته است در دسترس -
خوانندگان عزیز قرار دهیم ولی امیدواریم از ما
بپذیرید که همیشه حد اکثر کوشش خود را برای حصول
این مقصود بکار برده ایم و در این سبیل کوتاهی
نکرده ایم . بسیاری از خوانندگان عزیز بارها خدمات

ناچیز ما را ستوده و این هیئت را در ادامه خدمت
تشویق و تحریز فرموده اند و جمعی از خوانندگان
ارجمند ما مستقدند و حق هم دارند که پس از گذشتن
۱۶ سال از عمر آهنگ بدیع بایستی پیشرفت و تحول
بیش از آنچه که فعلا حاصل شده است نصیب آیندگان
بدیع شده باشد و الا غیره عدای دیگر اصولا عقیده
دارند که آهنگ بدیع از ۱۶ سال قبل باینطرف از لحاظ
کیفیت و کمیت مطلقا پیشرفتی نکرده و تحولی در وضع

آن ایجاد نشده است .

ما چون خود درگیر و در امور مربوط بتبیه و تنظیم
مطالب آهنگ بدیع هستیم شاید نتوانیم قضاوت -
صحیحی در این مورد بنمائیم ولی هرچه هست یک
نکته را میدانیم و آن اینست که تنها گذشت زمان
برای ایجاد تکامل و پیشرفت و تحول در امور مختلفه
علی الخصوص انتشار یک نشریه کافی نیست . آنچه
که مهم است فراهم بودن امکاناتی است که راه را
برای ایجاد تحول و تکامل آماده سازد و اکنون که
سخن بدینجا رسید باور کنید خوانندگان عزیز که از
۱۶ سال قبل تاکنون نه تنها امکانات انتشار آهنگ
بدیع مطلقا تفاوتی نکرده بلکه علل و جهات غیر
مستقیمی نیز باعث شده است که بسیاری از امکانات
مساعد ما نیز از دست برود .

سخن ما در این زمینه باشما بسیار است ولی سر آغاز
سال جدید را درینجاست که با این سخنان برگزار
نمائیم . انشاء الله در مقامی دیگر بتفصیل بسا
یکدیگر سخن خواهیم گفت .

بهر تقدیر ما هرچه باشیم و هرچه بکنیم قدر مسلم اینست که
مساعدت و همکاری شما با ما ضامن پیشرفت و تحول و
تکامل در وضع آهنگ بدیع است .

ما بامید تائیدات الهی و بانتظار مساعدت و همکاری
دوستان و خوانندگان محترم آهنگ بدیع در این
راه گام می نهیم و تا آنجائیکه در قدرت ماست -
میکوشیم تا چه کند همست و لای دوست .

"هیئت تحریریه آهنگ بدیع"

سالی که پیش است

ارو شیر اختر خاوری

مشیت نافذه حتمیه الهیه نخواهد شد و نتواند شد و آن عبارت از حصول " وحدت عالم انسانی " است که بصرف اراده و مشیت حق جلت عظمة در ۱۱۶۱ سال قبل ندای اولیه اش را مولای عالم وسید امم حضرت رب اعلی روحی لقطرات دمه المظهر فدا بسمع عالمیان رسانید و برای تحقق و تنفیذ این منظور جلیل وجود مقدسش را فدا نمود و قبل از صعود بملکوت اعلی و رفارف اسمی بمؤمنین و احبای باوفایش اعلام فرمود که این جان و تن را در سبیل شخص عظیم و جلیل فدا میکنم و باین رنه ملکوتی تصریح فرمود " یا بقیه الله قد قدیت بکلی لك و رضیت السب فی سبیلک و ماتمیت الالقتل فی محبتک و کفی باللله متصما قدیما " بعد از عروج آن طیر الهی بمسارج روحانی درمیقات معین و مقرر جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبائه الفدا این صلاهی الهی رامة اخری - بلند فرمود و بطوک و امر او علمای شرق و غرب که معاصر حضرتش بودند الواح و آیات و خطابات عظیمه صریحه مهمینه که مبشر بظهور الله و ظهور رب و تحقق بشارات و وعود جمیع کتب مقدسه است اظهار و اعلان فرمود و حجت الهی را بشرق و غرب و جنوب و شمال بالغ کرد و چندین مقابل تمام کتب مقدسه الهیه قبل آیات محکمت از قلم مبارک معجزشیم آن سرور امم نازل گشت و طریق صلاح و فلاح را باهل عالم بنمود و رموز و بشارات کتب مقدسه قبل را بظهور و طلوع شمس جمال منیرش تحقق بخشید و در این سبیل هرگونگی بلا و مصیبت و حبس و تبعید را تحمل فرمود و ایام حیا مبارک را در نهایت زحمت و مرارت و تحمل بلاهای لاتحصى

احبای جانفشان و خدوم حضرت بها * الله جل اسمه الاعلی عموما و جوانان عزیز این جامعه عظیم و مفتخر خصوصا که در جمیع نقاط کره ارضیه ترویج شریعت الله قیام فرموده اند با اهمیت این سنه مبارکه واقفند و گروهی با جمیع قوا و همه وسایل بقدر توانائی و استطاعت و جمعی مافوق تدرت و امکان میکوشند تا در خدمات روحانیه در میادین وسیع خدمت که حدود و ساحتش محیل کره ارض است و وظائف روحانیه خویش را در خدمت بوحدت عالم انسانی و ایجاد اتحاد و محبت الهی پیش از پیش بمنصبه ظاهر آرند زیرا توجه دارند که سنه اخیر جهاد کبیر اکبر است و هر روز وساعت بل دقائق آن پر ارزش و قیمت تا انشا * الله آمال اهل بها که عبارت از حصول وحدت عالم انسانی و آرامش و آسایش و استقرار صلح اعظم درین جامعه بشر است هر چه زودتر تحقق یابد و عالم مضطرب و نگران در حال تسالیم و وصایای الهیه حضرت بها * الله که داروی منحصر و مسالج قطعی امراض مزمنه عالم بشری است مورد قبول و استفاده عالمیان قرار گیرد و جسم درد مند عالم که در اثر تحمل امراض گوناگون علیل و ضعیف و ناتوان گشته بقوت و نفوذ این بهار روحانی و استغلال در ظل شریعت بین الطلی بهائی روحی جدید و نشاطی بدیع یابد و بدیهی است که این هدف عظیم و جلیل حتمی الوجود و تابعی الوصول است فقط نوع بشر خصوصا عقلا و دانشمندان میتوانند در حصول و وصول بآن تاخیر و یا تسریعی بعمل آرند ولیکن هیچ قوه و قدرتی در عالم امکان مانع و رادع حصول و تحقق

سپری نمود و در مواعع حصول بلایا و هطول رزایا گذشته از آنکه شکایت ننمود نهایت صبر و استقامت بل مسد سپاسگذاری و شکرانه میفرمود چنانچه در لوح معروف شکر شکن شوند راجع بوزیر خارجه وقت ایران میفرمایند قوله جلت عظمة " مکتوب آنجناب بر مکن فنا و اصل و بر مخزن تسلیم و رضا وارد آنچه مسطور گشت منظور آمد و هر چه مذکور صحیح و درست و لکن محبان گوی محبوب و معرمان حریم مقصود از بلا پروا نداند و از قضا احتراز نجهند از بحر تسلیم مزورقتند و از نهسر تسنیم مشروب رضای دوست را به دو جهان تدهند و قضای محبوب را بغضای لامکان تبدیل نمایند در صحراهای بیآب مهلك بیاد دوست مواجند و در بادیه های متلف بجانفشانی چالاک دست از جان برداشته اند و عزم جانان نموده چشم از آشنا بر بسته و بجمال دوست گشوده اند تا اینکه میفرمایند جلت قدرته " نزدشان شمشیر خونریز از حریر بهشتی محبوبتر است و تیغ نیز از شیرام مقبولتر و در مقام دیگر در همین لوح مبارک میفرمایند " بدعا بلارا طالبیم تادر هواهای قدس روح پرواز کنیم و در سایه های شجر انس آشیان سبازیم و البته این دوست بی زوال را از دست ندهیم و این نعمت بیمثال را از کف نگذاریم " الی آخر بیانته الاحلی اگر بدیده انصاف و بصیرت و حق و عدل این لوح مبارک قرائت و زیارت شود - مشاهده میگردد که حجت و برهان برجیع اهل امکان بالغ گشته مخصوصا باهل ایران و هم میهنان عزیز که باین زبان نورا و شیرین آشنا هستند و رموز و فنون و عبارات و اشارات و حقائق عالییه که در قوالب و الفاظ متناسب انراغ و القا فرموده اند علی قدر الاستعداد درک میفرمایند اگر عشق الهی و طلب و اشتیاق و حصول بساحت قدس معشوق روحانی در نفوس باشد همین لوح مبارک کفایت میکند چنانچه زیارت ایسن الواح و آثار محجزشیم آلهیه این ظهور اعظم بیست هزار بل ازسد عشاق جمال بیمثالش را خندان و پای

کویان بمیدان تریانی و فد اکشائید و این ندا از حنجر عشاق جمالش بسمع حضار و ناظرین و شاهدین میرسید که شاعر عالیقدر بصورت این بیت فرموده
جان که نه در ره عزیزان بود
بارگرانی است کشیدن بدوش

و نیز میفرمایند

زنده دل باید در این ره صد هزار

تا کند در هرنفس صد جان نثار

در لوح منیع و مبارک خطاب بناصرالدین شاه قلم اعلی به نعتین نورا و فصیحی حجت را بآن - پادشاه خصوصا و اهل ایران عموما بالغ فرموده اند آیا زیارت و تلاوت آن سفر کریم برای شخص منصف جز اذعان و اقرار به حقانیت و عظمت ظهور مقدس آلهی حضرت بها " الله فخری باقی میگذارد؟ چنانچه

در ابتدای لوح لسان عظمت باین بیان ناطق

" یا سلطان انی کنت کاحد من العباد و راقدا اعلسی

المهاد مرت علی نسائم السبحان و علمنی علم ماکان

لیس هذا من عندی بل من لدن عزیز علیم و امرنی

بالنداء و بین الارض و السماء بذلک ورد علی ما

ذرفت به عیون العارفین " و در مقام دیگر از پادشاه

ایران بی طلبند که علمای مورد اعتماد خود را بخواهند

و حضرتشان نیز در محضر سلطان حاضر شده اتیان

حجت و برهان فرمایند تا حق از باطل ممتاز گردد

و مع الاسف ناصرالدین شاه موفق بانجام این امر

نشد و از فیض و موهبت سعادت دنیا و آخرت محروم

گردید

همچنین در لوح مبارک خطاب بصدر اعظم عثمانی

بعد از شرح بلایا و مصائب وارده و حبس و سرگونی

و تعذبات و جفای مامورین آن دولت و بیان هدف عظیم

و جلیل دیانت مقدس بهائی او و ملت عثمانی را باین

خطاب مهیمن قهریه مخاطب میفرمایند " سوف

یاخذکم بقهر من عنده و یظهر الفساد بینکم و مختلف

ممالکم اذا تنوحون و تتضرعون و لن تجدوا لانفسکم

من معین و لانصیر تا اینکه میفرمایند جلت قدرته "آیا
 عزت خود را باقی دانسته اید و یا ملک را دائم شمرده ا
 لا و نفس البها نه عزت شما باقی و نه ذلت ما این ذلت
 فخر عزتهاست و لکن نزد انسان " مراجعه و زیارت
 این لوح امنع و مذاقه در این بیانات و اندازات -
 صادره از تلم اعلی و پایان تسلدا و تدرت دولت عثمانی
 و برجیده شدن بساط خلافت و مجزاشدن ممالک و
 متسد از عثمانی تدیم و سایر وقایع هائله که بر این
 ملت هجوم نموده و تاکنون نیز آرامش و آسایش در
 آن حصول نیافته نتیجه عدم توجه به نصایح و مواظب
 رحمانی و عدم تنبه و ایمان به ندای مهیمن و عظیم
 الهی است که حتما و قطعا در عالم امکان نافذ و موثر
 و قطعی الحصول است خطابات موثر و مهیمن حضرت
 بها " الله جل کبریا به باب اعظم و ملکه انگلستا
 و امپراطور روس و اطریش و آلمان عموما و الواج مبارک
 خطاب به ناپلئون سوم امپراطور مقتدر فرانس -
 خصوصا و اعلام و انذار شکست و مذهبیت مشارالیه
 که نتیجه غرور و استکبار و عدم توجه به ابلاغ و
 پیام حی مقتدر قهار بود هر یک در مقام خود اتمام -
 حجت و ابلاغ رسالت آن مظهر کلی الهی بجمیع
 ساکنین این کره خاکی میباشد و چون در اثر غفلت و
 غرور استکبار و قصور نصایح و اوامر آن حی عالم و مرئی
 اسم را استماع ننموده و مورد عمل و اجرا نگذاشتند
 خود و ملت خویش را در تمام این سنین محروم از
 امطار رحمت الهی و روح حیات ابدی نمودند و در
 نتیجه بمصائب و مشاگل دوحرب آکشته و قتل و کشتار
 جمعی از نفوس بی گناه بشر و خسارات و ضرری حد
 و حساب که آثار آن الی آلان مزاحم بیامنه عظیم
 بشری هست مبتلا و گرفتار شدند .

بعد از غروب شمس جمال قدم و افول آن کوکب
 دری از افق عالم خاک مرکز میثاق و سرور آنان غصن
 اعظم آن دوحه عظیم و مکرم با رداى بندگی و -
 عبودیت حمل این ثقل فادح مسئولیت نمود بجمع

قوالیلا و نهارا در ترویج امرالله و تبیین آیات الله و
 نزول الواج بتمام نقاط عالم همت گماشتند آنی آرام -
 نگرفتند و دقیقه استراحت نفرمودند تا صیت امرالله
 جهانگیر شد و کلمه الله مسموع شرق و غرب گردید
 و جمعی غفیر از ملل مختلفه و ادیان متنوعه در ظل
 امرالله درآمدند و در اثر دلالت و هدایت و تشویق و
 عنایت آن حضرت به تبلیغ امرالله و نشر دین الله
 پرداختند و مسافرتهاى نیز بممالک غرب فرموده پیام
 الهی را بمساع اهل اروپا و امریک رسانیده مظهر و -
 منصور بارز مقدس مساودت فرمودند و تا آخرین دقیقه
 حیات آرزوی جز ترویج دین الله و تحقق وحدت عالم
 انسانی و استقرار صلح اعظم و سعادت بنی آدم -
 نداشتند و با قلم معجز شیم خویش احبا * و فدائیان
 خود را در جمیع نقاط عالم بخدمت امرالله و نشر دین
 تشجیع و تحریض فرموده افتخار و سعادت و نجات و -
 موفقیت اهل عالم مخصوصا بهائیان را در خدمت
 بوحدت عالم انسانی مقرر و مصرح داشتند و بعد از
 سنین عدیده که بتمام همت و وظیفه مقدسه خود را
 انجام و اتمام فرموده از جهان خاک بعالم پاک
 عروج نمودند بندگی و عبودیت را که اعلی المقام
 انسانیت و شرف و افتخار ابدی هر فرشتهائی است
 حضرتش بشخصه العظیم به بهترین و کاملترین صورت
 بمنصه ظهور رساندند مقام و عنوان و لقبی جز
 عبد الهیاء قبول ننمودند و در حقیقت قدوه حسنه و
 مثل اعلاى بندگی و عبودیت بودند تا ما اهل بهامتوجه
 گردیم که بندگی و خدمت و عبودیت و محویت صرف
 شرط اصلی ایمان و ایقان و تمسک و معرفت واقعی و
 توجه باصل و حقیقت امر جمال قدم جل ذکرة الاعظم
 است و این عبد فانی بافتخار درک محضرشان بحسب
 ظاهر مفتخر و مباهر بوده سجایا و رنثار و عنایت
 و مرحمت و لطف بیکران حضرتش را بچشم سرشاهد و
 ناظر بوده است فی الواقع مصداق (العبودیت -
 جوهره کنهها الربوبیه) در وجود مقدس آنحضرت -

بتمامه ظاهر و باهر و متجلی بود
 باری اکنون نظر را توجه بایام و روزه مبارک
 ولایت نموده خدمات و زحمات مستمره و سعی و کوشش
 بلا انقطاع حضرت ولی امرالله را بنام بار میآوریم که آن
 عصی ریان و مروج امرحی منان چگونه ایام حیات -
 خویش را مصروف خدمت بشریعت الله و ترویج دین الله
 درینج قاره عالم فرمود وصیت امرالله را باتصی نقاطله
 کره ارض رسانیده جز پیشرفت امرالله و نشر نفعات
 بامری بذل توجه و علاقه ننمود و چه بسا شبها که خواب
 و آرام را بر خود حرام و تمامی کوشش خویش را مصروف
 مکاتبه و مخابره و صدور اوامر و دستورات مبرمه و ارائه
 طرق خدمت و تبلیغ و مهاجرت فرمود بقدری مستغرق -
 در این امور بود که خواب و غذا را گاهی از خاطر
 میبرد و چه بسا که از کسرت کار و کوشش و سعی و -
 مجاهدت در پشت میز تحریر خسته و فرسوده از حال میرفت
 و تاب و توان جسمانی حضرتش بایان مییافت تا بالنتیجه
 وظیفه مقدسه خویش را بنحو اتم و اکمل فرمود و جامعه
 عظیم و متحد اهل بها را بشامراه نذام بدیعها الله
 کمحیات اهل عالم بآن منوط و مشروطست راهنمائی و دلالت
 نمود و سائط و وسائل خدمات آتیه را از هر جهت -
 تمهید نموده جان و تن و روح و بدن را در سبیل
 خدمت بامرالله فدا فرمود و قبل از وصول بسن بیبری
 و کهنولت در اثر زحمات و مشاغل مستمره شبانه روزی -
 قوای جسمانیش تحلیل یافته عالم خاکرا بگذاشت
 و به پیشگاه مقدس جمال قدم و اسم اعظم صعود و
 عروج فرمود روحی و کینونتی لحضرت الفدا *
 این بود نموداری بسیار کوتاه از وقایع و جریان گذشته
 این امر عظیم الهی که بنحو بسیار مختصر بمنظور
 جلب نظر مذکور آمد تا جامعه عزیز و عظیم بهائوسی
 مخصوصا جوانان ارجمند که مسئول خدمات آتی ما میباشند
 از گذشته و نحوه خدمت و فدا راه و روش آینده را -
 آنگاه نموده و متذکر باشند که جز خدمت باستان
 الهی و امر حضرت سبحانی جمیع امور و شئون دینوی

بیهوده و بی ثمر بلکه سراسر خسارت و ضرر مموری و
 معنوی است الاعلی قدر معلوم و برهان براین مدعا
 آنکه ما اهل ادیان و مؤمنین به حقانیت انبیا * و -
 مظاهر مقدسه این وجودات نورانیه را عقل کل دانسته
 و اعمال و اقوالشان را مضمون از اشتباه و خطا میدانیم
 و اجرای اوامر و نواهی آن شمس ربانی را موجب
 رضای حق سبحانه و تعالی و سعادت ابدی دانسته
 و باین دلیل و علت در ظل اوامر ایشان مستظل و مومن
 میشویم با اینحال اگر واقعا و بایقین قطع و اطمینان
 کامل بمراحل عالی ایمان و معرفت واصل و نائل گشته
 عقلا و منطقا ضروری است که اغراض و امیال و آمال
 فانیه خویش را کنار گذاریم و از شئون نالایقه دنیا
 در سبیل خدمت بامرالله چشم پوشیم و بمیادیسن
 خدمت وارد شویم و تا وقت باقی است اثبات خلوص
 و وفا کنیم و اقتدا * بحضرت اعلی و جمال اقدس ربیبی
 نمائیم و از حضرت عبدالبها * و ولی جلیل امرالله
 درس بندگی و خدمت آموزیم و کمتر بامور و علائق دنیا
 از محبوب حقیقی دور مانیم و بدانیم که بموجب صریح
 بیان مبارک حضرت عبدالبها * (اگر این جهان
 بی بقا و جهانیان بی وفا را قدر و بهائی بود اول آن
 وجودات مقدسه تمنای آن مینمودند) و این اصلی
 بدیهی و مستدل و معقول است که اگر شئون و امور
 و علائق این جهان خاک ارزشی میداشت انبیای الهی
 که اعقل تا س و عقل کل اند بآن توجه میفرمودند و در
 اعلی عروج مقامات و مناصب مستقر میگشتند لذا بندگان
 مخلص و مقرب الهی نیز بیش از مقدار لزوم و ضرورت
 توجه بشئون دنیا نفرمایند و به علائق و ظواهر فانیه
 آن دل نبندند و گرفتار دنیا و زرق و برق و ظواهر
 فریبنده و تلم نشدن آن نشوند تا از مقصد اصلی
 خدمت و بندگی که علت غائی وجود و خلقت است
 محروم نگانند
 نتیجه - بندگان عزیز و محبوب حضرت بها * الله و
 متمسکین بسروه الوثقی را به دو گروه میتوان تقسیم نمود

اول گروه عشاق و فدائیان و ثانی گروه عتلاود انشمنان و اینک چگونگی و وضعیت این دو گروه را مورد نظر قرار میدهم :

گروه عشاق - واضح و بدیهی است که عاشقان حقیقی و فدائیان واقعی اگر هزار جان در هر آن دراز شوند در سبیل معشوق و محبوب فد اکند و هر دقیقه بقربانگاه عشق شتافتند و جز رضای محبوب و معشوق آرزو آمال و فکرو نیالی ندارند گروه عتلا - اشخاص عاقل و دانا آناند که نقد حیات و ایام معدود زندگی جسمانی را به بهترین صورت و به پر ارزشترین خدمت مصرف دارند تا اینکه در پایان عمر بچارند امت و پیشمانی نگردند .

با شرح و توضیح مختصر راجع به دو گروه فوق این نتیجه بدست میآید که اگر از گروه اول و از عشاق هستیم باید جز خدمت و بندگی و فدای جسم و روح در سبیل ترویج وحدت عالم انسانی هدف و مقصد ^{بزرگ} بزرگیم و اگر از گروه ثانی یعنی عقلا میباشیم ناچار باید طرق و روش مستول و مطلوب و مستدل اتخاذ کنیم بعد از مطالعه و مطالعه تعالیم الهیه و آراء و عقاید دانشمندان وسیع انظر باین نتیجه میرسیم که طبق بیان مبارک حضرت بهاء الله و حضرت عبد البها (عرام از امور اعتدالش محبوب است) لذا شرط وفا و عقل آنست که بعد از اینکه وسایل و موجبات محاسبه و وزندگی حد متوسط را واجد شدیم عقلا و حقا باید بخدمت امرالله و خلق او - بر دازیم و الا عاقل شمرده نخواهیم شد .

با شرح فوق و تعریف عقل از نظر آلمیون و از عان باینکه حیات و ممات بشر باراده قطعی الهی است شرط عقل آنست که هر روز و هر ساعت از عمر و حیات باقیمانده مصرف خدمت واقعی یعنی خدمت بامرالله و خلق او گردد تا اگر رسول عوت قبل از موعد انتقال را برآورد شود و اشخاص عاقل را بنسالم ابدی انتقال دهد در ریشگاه حی تیوم سرغراز و مفتخر باشند نه تادم و شرمنده بانه بحال تدم جل اسمه الاعظم میفرمایند " لان الموت یا تیک بختته و تقوم علی الحساب " پس ای دوستان و جوانان عزیز بهائی این فرصت بسیار گرانبها و ذی قیمت را صرف خدمت امرالله

فرمائید زیرا وقت تنگ است و ایام حیات چون برقی میگردد لذا سزاوار آنست که جمیع دوستان خصوصاً جوانان در جمیع شهرها و قرا کشور مقدس ایران خویش را مهیای خدمت کنند و این آمادگی بلا شرط را حضور محافل روحانی - محلیه خویش کتباً معروض دارند تا محافل مقدسه محلیه این امکانات را بساحت مقدس محفل ملی روحانی بهائیان ایران عرضه کنند و با هدایت و ارشاد آن مقام منبع هریک از افراد وظایف مقدسه خویش را در این مدت تلیل جهاد کبیرا کبیر بظری شایسته انجام دهند و ثابت نمایند که از اصحاب وفا هستند و لایق استظلال در ظل سرپرده شریعت جمال ابهی روحی و کثوتی لالطافه الفدا دوستان عزیز با توجه بمطالب و مباحث سابق اللّه بموجب نصوص الواح الهیه و اوامرو اعمال و اقدامات شاریع عظیم و وصایای موکده حضرت عبد البها و ولی عزیز امر الله از طرفی و از طرف دیگر با لائل و شواهد عقلی ثابت و مبرهن گردید که وظائف احبای عزیز خدمت بوحدت عالم انسانی است نه انهماک و اشتغال بیش از ضرورت و لزوم بامور و شئون دنیای بی ارزش و فانی اینک مختصری از تجارت گذشته خود را مینگارم و به تطویل کلام و تصدیع نجاتم میدهم - قریب ۴۲ سال قبل بزیارت حضرت عبد البها مفتخر گشتم و با استعداد قلیل و بضاعت مزجانه از آن دریای فصل و دانش و احسان مستفیض شده اعمال و رفتار و لطف گفتار و مهربانی عطاوند حضرتش باین

مشتاق حیاتی جدید بخشیده از آن ایام تا کنون دنیا را - بصورتی دیگر مشاهده میکنم و باین بیان مبارک جمال قدم جل اسمه الاعظم توجه دارم که میفرمایند قوله جلالت - صراحه (ما رأیت شیئا الا وقد رأیت والذوال قبله) و نظیر باینکه ضرورت حیات و زندگی آییجاب نمود که بمشغول و خدمتاتی برای امرامشاش ببرد از م لذا اسالیهای از عمر - خویش برادر خدمت مختلفه گذراندم و بحسب آثار مشاغل مهم رانیز متصدی گشتم و لکن بیبوجه لذت و مسرتی نیافتم و برعکس اوقات را که در مسافرتهای روحانی و زیارت دوستان عزیز بهائی در شرق و غرب گذراندم بقدری -

اختر فی ماقع

مراکز خسروی

بود و گاه بیگانه با صدای بسیار خشن خود و با صوت - ناموزون و خسته کننده اثر تغییر حالتی عجیب در - اغلب شنوندگان ایجاد مینمود باری با کمال تحیر و تأسف از این پیش آمدیکه و تنها مشغول نظاره این صحنه غیر منتظره بودم و احساس بی صبری و نا راحتی عجیبی مینمودم و همه را بفکر چاره ای برای حرکت و خروج از این قهوه خانه بودم ولی مقدور نبودم و گویی قوه ای نهانی مرا امر بسکون و رضای به مقدرات مینمود باری آفتاب جهات تاب غروب نمود و تاریکی کم کم انوار با تیماننده را می ربود در این وقت مردی ناشناس به نزد حقیر آمد و اظهار نمود که ماشینی حامل نفت عازم زنجانست و در جلو ۲ نفر مسافر میخواهد و من یکی از مسافران هستم اگر شما هم میل دارید بفرمائید بدون تأمل و اندیشه کیف دستی ملو از اخبار و کتب امریه را برداشته شتابان بسوی ماشین روان شدم و بدون تردید در جلو ماشین پهلوی مرد ناشناس قرار گرفتم چون حرکت نمودم ناگهان اضطرابی شدید چنان تهدیدم نمود که با حالتی عجیب در دام مشغول تلاوت ذکر یا الله المستفک و لوح مبارک احمد و سایر اذکار شدم و با آنکه چادری که معمول زنان آن محل بود بر سر داشتم و خود را چنان در آن مستور نموده بودم که احدی قادر بر دیدن حتی نقطه از صورت من نبود شدت اضطراب بقدری بود که بسودن شک همراهمان که عبارت از راننده و مرد ناشناس و کمک راننده بود کاملاً احساس ناراحتی مرا مینمودند ناگهان بارقه رحمت پروردگار تابید و کلمه از دهان -

فصل زمستان سال ۱۳۳۳ شمسی بود که پس از - مراجعت از کفرانتر بسیار مهم تاریخی بهائیتی در هندستان با محفل مقدس بروخانی بهائیان قزوین برای ملاقات و زیارت مهاجرین عزیز ابهر و اجبای کرابی و مهاجرین نورانی زنجان عازم آن صفحات بودم طلب سرشار از محبت دوستان و روح در پرواز بی طرف انوار ساطعه از وجوه مهاجرین دلیر نازنین امر حضرت رحمان همایی در سرداشتم که واقعاً هوش و حسواس ظاهری را چنان تحت تأثیر قرار داده بود که جز در مسیر او حرکت ننماید لذا با عجله بطرف ابهر حرکت و پس از توقف یک شب در آن محل مهاجرتی از دیدار دوستان عزیز نورانی نشسته روحانی حاصل نموده چون موعد حرکت بطرف زنجان با قافله راه آهن ساعت ۲ بعد از ظهر بود با شتاب خدا حافظی نموده با ماشین برای رسیدن بایستگاه که تا ابهر شش کیلومتر فاصله دارد حرکت نمودم چون در عالی از روحانیت بودم سیسر حرکت را متوجه نشدم ناگهان توقف ماشین مرا متوجه ساخت که کنار جاده نزدیک درب قهوه خانه محقری ایستاد علت را جویا شدم معلوم شد حرکت قطار روز بعد میباشد و اینجا محل عبور ماشین های زنجان است و ممکن است بدین وسیله مسافران بزنجان بروند لذا با اگر اه وارد قهوه خانه شدم که ملو از رعایای بیگانه مردان رهگذری بود که برای وقت گذراندن با آنجا آمده و یا مسافرنی که چون حقیر در انتظار وسیله حرکت میباشند بود مردی لاغر اندام درویش وارد وسط قهوه خانه با صدای رسا مشغول گفتن نقل (حکایت)

آهنسنگ بدیع

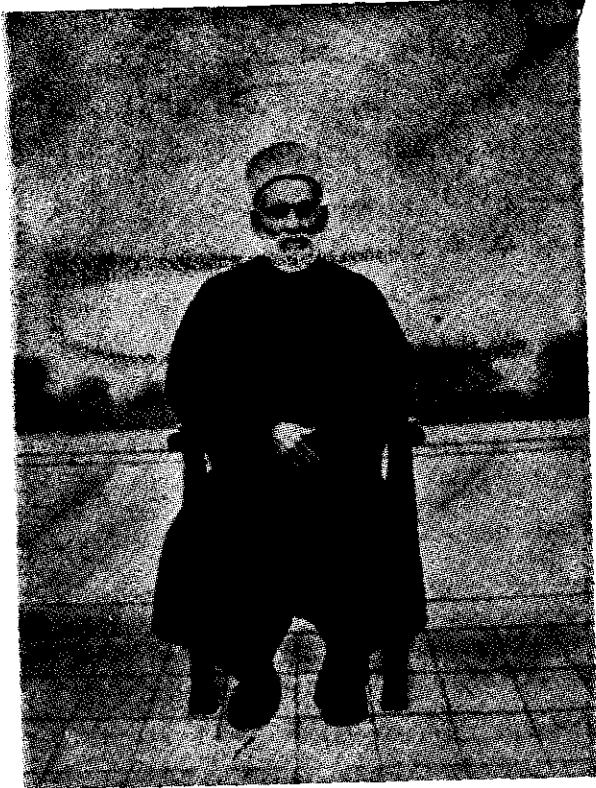
نمیکند تا مردم استفاده کنند ناچار از بیان این اظهار شدم که اگر در بظروف این قند های شیرین راهمیشه باز گذاریم ممکن است قبل از اینکه افسراد انسانی از آن استفاده کنند مگس و پشه و زنبور آنرا آلوده نموده از حیز انتفاع خارج میکنند باری بحث بقدری شیرین و بیت تبلیغ در جلوی ماشین چنان گرم بود که بدون احساس ناراحتی ازندی راه و تاریکی شب و لول جاده وارد زجان شدیم و معلوم شد که این مرد ناشناس یکی از معاندین امر در ابهر بوده که حتی برای جلوگیری از دفن یکی از مهاجرین عزیز در آن نقطه فعالیت زیاد نموده و چندین بار به نبش قبر دستور داده ولی موفق نشده و ایسن جریان بحث و مذاکره در ماشین کاملاً او را تقلیب نموده تاروش دیرین راترك گفته و بخود مهاجرین نیز اظهار داشته است اینست یکی از اعلام خیریت پیش آمدی برای شخصی که متوکلا علی الله در سبیل امر الهی قدم بر میدارد .

XXXXXXXXXX

بقیه سالی که در پیش است از صبح
مفرح ولذت بخش بوده که هر وقت آن ایام بخاطر آید روح و جان مسرور شود و زبان بشکرانه محبوب بیهمتای ناطق که فانی ناتوان را بقیض زیارت احسانی عزیز و بزرگوارش مفتخر فرمود و مورد عنایات و الطاف صمیمانه و روحانی ایشان نمود و بدیهی است اگر باین مسافرتها اجر روحانی و پاداش - معنوی نیز هم حمت گردد نور علی نور شود بد رجه که سعادت و راحت و افتخار و مسرتی مافوق آن تصور نشود و این بیان مبارک جمال قدم حلت قدرته موبد مقال و شاهد حال شود که میفرمایند: «لایام مضت بذکر الله و لا اوقات - صرفت فی ذکره الحکیم»
عمر نبود آنچه را که بی توشستم
باقی عمر ایستاده ام بفرامت
این شعر و وصف حال فانی است اما ای جوانان قرن یزدان شمار باین شعر مخاطب میدارم که میفرماید
مانکر دیم خد متی بسسزا دیده مادر انتظار شماست
زیرا بهترین دوره عمر رزندی ایام جوانی است و چقدر شایسته و عاقلانه است که بهترین ایام عمر صرف بهترین نوع خدمت و اعزاز شرف اشتغالات گردد و آن خدمت بامر الهی و خلق او است فطوسی للقائمین و شری للمخلصین

راننده خارج شده که مرا متحیر و مبہوت نمود گوئی ملائکه مقربین و ساکنین حریم مقصود مامور تشکیل چنوبسن جلسه بودند و برنامه آن را قبلاً تدوین و موظفین ناچار بادای وظائف خود بودند از مرد ناشناس سؤال نمود که شما مسلمانان بچه علت این چنین مزاحم عده ای مظلوم و بی پناه و بی آزار بنظم پهنائسی میباشید و بدون مکث مشغول شرح جانبازی شهدای عزیز شاهرود که نمود ناظر بوده گردید مرد ناشناس شجل شد و سکوت نموده گوئی قادر به تکلم نبود در ضمن صحبت معلوم شد که راننده و کمک کارش هر دو از ملت حضرت مسیحند و مرد ناشناس هم مسلمان ولی هویت بر مرد و آنان مجهول بود لذا با قلبی مطمئن و روحی سرشار از شکرانه الهی که چنین - جمعی نورانی بجهت تحقیق و تحری در این راه بوجود آورده اظهار نمودم که همه مسلمانان چنین معاندتی ندارند و شمه ای از مردانگی و جوانمردی عده ای از آنها بالاخص ساکنین ابهر بیان داشتم که ناگاه مرد ناشناس باقیافه ای کاملاً راضی از یشتیانی حقیر از مسلمین رو بمن نموده جوای هویت گردید و چون خود را بهائی معرفی نمودم باکمال تعجب سئوالاتی از عقاید و اصول دیانت مقدس بهائی نمود که پس از دریافت جواب چنین اظهار نمود من . . . رهبر حزب . . . در ابهر میباشم و با وجود اینکه از چنین تسالیم محکم و متینی بی اطلاع هستیم هر روز جوانان و عده ای کثیر را به متینگ و تظاهرات وادار مینمائیم در صورتیکه شما دارای چنین تعلیمات صحیحه متینه هستید چرا تبلیغاتتان ضعیف است عزت شد متساع ماناسد شدنی نیست که اگر امروز بفروشر نرسد فردا ضایع شود و ناچار بسروصدای برای فروش باشیم مادارای جواهر ثمنی هستیم که گوهریان قدرش را میدانند و روز بروز بر قیمتش میانفاید و خریداران ناچار از خریدند باکمال تحیر گفت این تعالیم چون قند است ولی شما آنها را در ظروف سر پوشیده نگاه داشته عرض

جناب سید مصطفی رومی



جناب سید مصطفی وابسته بیکی از خاندانهای جلیل بغدادی بود . پدر ایشان در شهر مدرس - اقامت داشت و هنگامیکه سلیمان خان الیاس معروف به جمال افندی در سال ۱۸۷۵ بامر حضرت بهاء الله برای تبلیغ امرالله در خطه هندوستان بشهر مدرس وارد شد در حدود ۲۰ سال از عمر جناب سید مصطفی میگذشت .

سید مصطفی جوانی روحانی بود و وقتی تمام در انجام و مراعات تکالیف و سنن مذهبی خویش نشان میداد و از اینرو در لحظه ای که با جمال افندی روبرو شد مجذوب شخصیت فائق و نافذ وی گردید و بارغبستی فراوان بسخنان وی که حقیقت دین را با شیوه ای - کاملاً بدیع و متمایز از آنچه که تاکنون شنیده بود بیان میکرد گوش میداد و سرانجام شیفته و مجذوب

این شریعت جدید گردید و هنگامیکه جمال افندی مدرس را ترک مینمود او نیز همراه ایشان بسیر و سفر در سراسر هند و برمه پرداخت .

در برمه در سال ۱۸۷۸ جناب سید مصطفی از جمال افندی جدا شد و در رانگون رحل اقامت افکند و در همانجا با یکی از خانواده های متمکن و تاجر " هند و برمه ای " وصلت نمود و در امر تجارت با برادران همسر خویش که کسه تجار معتبر و ورزیده ای بودند شریک گردید .

قبل از ورود جمال افندی به برمه جوان ایرانی دیگری بنام حاج سید مهدی از شیراز به برمه آمده و در رانگون اقامت جسته و با خانواده ای متمکن و ایرانی - برمه ای " وصلت کرده بود . حاج سید مهدی هر چند از خاندانی بهائی بود ولی بعلمت تنهایی در آن دیار و عدم احاطه کامل ظهور و بروز و جوش و خروشی نداشت ولی با ورود جمال افندی احساس دلگرمی بیشتری نمود و از بذل هیچ نوع مساعدتی نسبت بآن ناشر نفعات الله کوتاهی ننمود جمال افندی سرانجام موفق بتاسیس و استقرار دو جمعیت بهائی در رانگون و ماندالسی (MANDALAY) گردید سید مصطفی که از طلاب فاضل و دانشمند بود و احاطه کامل بفرقه و فلسفه اسلامی داشت بر اثر اقدام مبلغ

آهنگ بدیع

جزئیات این شریعت الهیه از خویش بروز دادند .
عبدالکریم آنان را به نزد جناب سید مصطفی هدایت
نمود و آنجناب حقیقت این شریعت ربانیه را برایشان
آشکار ساخت . شخص مذکور و همراهانش بحمل خویش
مراجعت نمودند و متفقا آنچه را که دیده و شنیده
بودند برای سایرین نقل کردند . بزرگان قریه پس از
مشورت بایکدیگر تصمیم گرفتند که جناب سید مصطفی
را بقریه خویش دعوت نمایند تا تعلیمات لازم را در مورد
این شریعت جدید الهیه بآنان بیاموزد . جناب سید
مصطفی باروشنافذ خویش بخوبی از عهده انجام این
امر برآمد و تمام اهالی قریه امر مبارک را با آغوش
باز استقبال نمودند . سید مصطفی همت به بهبودی
وضع مردم گماشت و با اعانات احبای رانگون مدرسه
در قریه مزبور ایجاد نمود و برای تزئین معلومات احبای
آنجا کتب مهمه و مفیده ای چون کتاب مستطاب ایقان
و کلمات مکتونه و مفاوضات را بزبان برمائی ترجمه کرد و
ترجمه " مقاله سیاح " که قبلا بنام " باب الحیات "

بچاپ رسیده بود بزبان اردو نظارت تام نمود و
همچنین کتابی بنام " المایروس صحیح " (میزان
صحیح) تالیف فرمود که کمک و راهنمای مؤثری برای
مبلغین امرالله در خطه هندوستان بشمار میرفت .
بعلاوه جناب سید مصطفی مناجاتها و ادعیه امری
را بزبان برمائی ترجمه نمود و کتابی بنام " دروس
دینی " بهمان زبان نگاشت .
در سال ۱۹۱۱ در " الله آباد " یک کنفرانس مذهبی
تشکیل گردید و از رؤسای ادیان مختلفه دعوت شد که
در کنفرانس مزبور درباره رؤس عقاید شریعت خویش
بیاناتی بنمایند . جناب سید مصطفی رساله ای درباره
امر مبارک مرقوم داشت که دوست عزیز و فقیه ماجناب
(رنگات نارایانرا وکیل) RANGNATHNA
آنها در کنفرانس مزبور قرائت نمود و نسخ
رساله مذکور نیز مجانا بین مستمعین و حاضرین در
کنفرانس توزیع گردید . در رساله مزبور بزبانی ساده

خویش مشی نمود و با هدایت و تشویق مرکز میثاق فوق
گردید که دو جمعیت بهائی مزبور را توسعه کامل دانه
و آنها را بصورت محافل روحانیه محلی درآورد .
جناب سید مصطفی نامت مدیدی بعطت اشتغالاتی
که داشت فقط میتوانست قسمتی از اوقات خویش را صرف
خدمت امرالله نماید ولی در سال ۱۹۱۰ ناگهان
رشته تجارت خارجی او از هم گسست و تجارتخانه اش
که او نیز در آن شریک و سهیم بود در بارورشکستگی
گردید و هنوز چندی از این جریان نگذشته بود که
همسرش نیز بملکوت ابهی صعود نمود . جناب سید
مصطفی در این هنگام کاملا تنها شده بود . پس
تمامی اوقات خویش را صرف خدمت امرالله کرد و در سال
۱۸۶۱ باتفاق یکی دیگر از احبای برمه افتخار حمل
صندوق بلورینی را که احبای ماندالی برای استقرار
عرش مظهر حضرت اعلی تهیه کرده بودند بارض اقدس
یافت و مورد لطف و مراحم خاصه حضرت عبدالبهاء
قرار گرفت .

علاوه بر تأسیس دو مرکز امری در رانگون و ماندالی
جناب سید مصطفی موفق بتأسیس مرکز دیگری در قریه
" دایدانا " (DAIDANAW) در ناحیه
کانگیانگون (KUNGYANGOON) گردید . اجمال
قضیه آنکه یکی از بزرگان قریه دایدانا در یک موضوع
قانونی گرفتاری ناراحت کننده ای پیدا کرده بود در
دادگاه رانگون تقاضای او برای سپردن ضامن مورد
قبول قرار گرفت ولی چون در رانگون غریب و ناشناس
بود کسی را نداشت که ضمانت او را بعهده بگیرد . یکی
از بهائیان رانگون بنام عبدالکریم که در دادگاه حضور
داشت بدون مقدمه خود و یکی از احبای دیگر را بعنوان
ضامن آن مرد معرفی نمود . این عمل شدیداً شخص مزبور
و همراهانش را تحت تأثیر قرار داد و بسیار شائق شدند
که بدانند عبدالکریم بچه شریعت و جمعیتی بستگی
دارد و چون عبدالکریم شمه ای از امر حضرت بهاء الله
را برای ایشان بیان نمود اشتیاق فراوانی برای استماع

آهنگ بدیع

و روان تاریخچه مختصر امرالله و تعالیم شریعت
جهانی بهائی بیان شده و باهالی هندوستان گوشزد
شده بود که اختلافات موجود بین دستجات متنازع
فلسفی هند هرگز بدون تفکیک کامل دیانت از سیاست
ممکن و میسر نخواهد شد .

سید مصطفی خلقی خوش داشت . او طلبه ای -
دانشمند بود و برمند رجات کتب مذهبی یهودیسان
و مسیحیان و مسلمین و بودائیان اطلاع و آگاهی کافی
داشت . او با استعداد عجیبی احکام و تعلیمات -
مذاهب سائره را در پرتو انوار شریعت حضرت بهاء الله
باروز مخصوص خویش تشریح و تبیین مینمود بنحوی که
مستمع کلاما مجذوب و قانع میگردد و اثر هم بخاطر
بعضی ملاحظات دینی در سلك اهل بیت داخل نمیشد
ولی در قلب خویش ایمان و اعتقاد مییافت که هیچ شریعت
دیگری جز شریعت بهائی قادر نیست که جهان را از
این آلام و اسقام مهلکه فلسفی رهایی بخشد .
جناب سید مصطفی در سراسر حیات خویش باهدا
نفوس پشاهراه رستگاری و سعادت که جمال قدم بر
اهل عالم گشوده بود بحالم بشر خدمت کرد و بسیار
بودند کسانی که آب حیوان ایمان بامر مبارک را از ایاد
وی نوشیدند .

جناب سید مصطفی دارای استعداد بی نظیری بود
که کمتر در مبلین دیگر دیده میشد . او در عین حال
مدیری باتدبیر بود و تنها بآموختن مبادی امر مبتدیان
خویش اکتفا نمیکرد بلکه آنان را متشکل ساخته و بدینوسیله
اساس تشکیل محافل روحانیه را که واحد اولیه تاسم
بدیع الهی است پی ریزی مینمود . قدرت تبلیغ و
نیروی تشکیلاتی دو عامل مؤثری هستند که در مبلغ نام
بهائی باید حائز آن باشد و جناب سید مصطفی از مرد و
این عوامل بنحو کامل برخوردار بود .

جناب سید مصطفی از عهده دو امتحان بزرگ که
عمر شخص مدعی ایمان بامر بهائی با آن روبرو است
فاتحانه برآمد . هنگام صعود جمال مبارک و تقسی

ناقضین دست بانتشار اوراق ناریه و القا شبهات
در بمبئی و سایر مراکز امری در هندوستان زدند جناب
سید مصطفی باشجاعت و شهامت تمام عهد و میثاق
الهی را از گزند ناقضین حفظ نمود و چنان استقامت و
قدرتی نشان داد که نه تنها افکار ناقضین و -
تبلیغات سوء ایشان از ناحیه بمبئی بسایر نقاط
هند تجاوز نکرد بلکه در همان شهر بمبئی نیز بساط
ناقضین برچیده شد .

در سال ۱۹۲۱ نیز که با صعود حضرت عبدالبهاء
بملکوت الهی و اعلان الواح و صایا مبنی بر تعیین حضرت
شوقی ربانی بعنوان اولین ولی امر بهائی بار دیگر
ناقضین فرصتی یافته و بالقا شبهات برداختند
جناب سید مصطفی همچون کوهی راسخ در برابر ناقضین
ایستادگی نمود و باستناد آثار مبارکه حضرت بهاء الله
احبابی الهی را متذکر ساخت که ناقض اکبر با سرپیچی
از او امر صریحه جمال قدم در کتاب عهدی جمیع -
امتیازات خویش را از دست داد و احبابی الهی بایستی
وصایای مبارکه حضرت مولی الوری را بجان و دل -
اداعت کنند .

جناب سید مصطفی دو بار در زمان حیات حضرت
عبدالبهاء و یکبار نیز پس از صعود ایشان بارز اقدس
تشریف حاصل نمود . او مورد علاقه شدید حضرت
عبدالبهاء بود و الواح متعددی بافتخار وی از کک
میثاق شرف نزول یافت . جناب سید مصطفی یکی از
جهان و جهانیان فارغ و وارسته بود و چنان تعلق
بحضرت ولی امرالله داشت که در جمیع اعمال روزانه
خویش آن هیکل مبارک را نمونه و سرمشق خویش قرار
داده بود . او میدانست که هیچ چیز باندازه خدمت
در سبیل امرالله ولی امر عزیز و محبوب را خوشحال
نی سازد و بهمین سبب بدون توجه بسلامت و معیشت
خویش شب و روز خود را وقف خدمت بامرالله نمود .
با آنکه ۹۹ سال از عمر شریفش میگذشت و در سنین
نزدیک بموت بود ولی قوای روحانی او کاملاً جوان و -

سیر و حصار

باز آمد بهار و آمد گل
تکیه زد بر سر شاه بهار
ابر و آب و باد رفت جهان
از سوار و پیاده جفا بستند
پس بهر جانب از نسیم و نسیم
تا بهر شاخ مرده گوید قم
تا بپدید جاد صوی نیسات
همه اجزاء کائنات شوندند

لاله و یاس و سوسن و سنبل
خطبه خوان شد به تهنیت بابل
برق زد تیغ و زهد کویست و رهل
در چمن لشکر شکوفه و گل
بفرستاد انبیا و رسل
هم بهر مرغ خفته گوید قل
رو بقیصه کنند قطع سبل
حاضر اندر حضور حضرت گل
تابه بینند قول رب رحیم
کیفای حسن العظام همی رحیم

واغ لاله

نشر

ای گل جو بلبل باغت اندر گستان آمدم
بهر نثار جان و دل در کوی جانان آمدم
افتم که برخیزم همی بر ذیلت آویزم همی
چون نرگم درد آنها چون لاله دارم دافها
چون گل بصرن بافها باروی خندان آمدم
خندید چون گل در چمن گشتم جو بلبل نغمه زن
پروانه سان بی غویشتن روی شمع سوزان آمدم
از فیض ایامت بها * دل زنده از نامت بهیسا *
مست از بی جا مت بها * در بزمستان آمدم
اید و مست جان ناتوان از هجرتو آمد بجستان
باشوق رویت شادمان در ساغ رضوان آمدم
چون گشت عشقت شعله و رفتاد بر جانم شسور
باروی خندانم اگر چون شمع گریبان آمدم
بنگر که معو چهستم ؟ حیران روی کیستم ؟
من طالب تن نیستم اندر بی جان آمدم
حیران شدم بر روی تو ساکن شدم در کوی تو
چون نوش بیدل سوی تو اینک غزلخوان آمدم

موفقیت یک جوان مهاجر

"استدعا دارم درباره این عبد دعا فرمائید تا بداند اوند قوتی عطا فرماید که موفق بانجام ذره ای از وظائف خدایره روحانیه گردیم ایام ایام دیگر است و زمانه زمانه ای دیگر آخرین نواهای روحانی ما را فرصت جولانی تازه و مداوم بسوی فتح نهائی میدهد باید دست بسوی آسمان حقیقی بلند نمود و تضرع و زاری کرد تا شاید رحمت الهی بر قلوب و ارواح بیارد و - سنبلات پر طراوتی ظاهر گردد . قریب ۹ ماه است که در منتاواوی هستم و الساعه به (یادنگ - سوماترا) آمده ام در منزل جناب دکتر آستانی هستم فی الحقیقه ایشان از ارکان امر در سوماترا و اندونزی میباشند و در نهایت حکمت نفوسی از بزرگان قوم در این شهر ایمان آورده اند . بفضل و قدرت الهی اریاح مخالف در روح ایمانی یاران اندونزی اثری نبخشیده و نخواهد بخشید

شما عا نیز بنوبه خود دعا فرمائید . اوضاع امری منطاواوی مراحل بدیع و روح بخشی را میگذراند و احبب عزیز و نورانی این جزیره بر اسرار و پیرانوار در نهایت ثبوت و رسوخ و اشتعالند علاقه این مومنین بامر مبارک بحدی میباشد که قابل وصف نبود و تلم این عبد قاصر از تشریح آن است . در ماه نوامبر گذشته برای مدتی اولانی در شمال جزیره (سیبروت) سفری نمودم این ناحیه دارای تپاقل است که تا آن موقع از امر مبارک خبری نداشتند بسیار دوردست و صعب العبور میباشد مردم آن دارای تلوب پاك و وجوهی نورانی هستند در

اولین دهی که پس از عبور از جنگل و یکرروز پیاده در کوه راه پیمودیم با اقبال بومیان بنحو بسیار مطلوبی مواجه شدیم تمام افراد و رئیس آنها در محلی جمع شده و آماده استماع تعالیم امر بهائی بودند پس از تشریح تعالیم کلیه آن رئیس قبیله اظهار مسرت فراوان نمود و گفت مدتهاست که ادیان دیگری بمس فشار میآورند که پیرو عقایدشان شویم اما با روح و - آداب ماتوافقی ندارد امروز ما بسیار شادمان هستیم که بنهایت آمال خود رسیده و دین محبوب و مطلوب خود را یافته ایم . آنها نام مبارک حضرت بها* الله را بالحنی مشتاقانه بر زبان میراندند و پس از چند روز تمام آن قبیله ایمان آورده و اطفالشان نیز سرودهای امری رازمزمه میکردند . در موقع حرکت از آن ده با صدای بلند کلمه (الله ابهی) ده ها بار بگوش میرسید و با تأثری روحانی آن عزیزان را ترك کرده و به قبیله دیگری که سه شبانه روز راه در ساحل دریا بود و در حد شمالی ترار داشت رفتیم تا برود خانه ای که ابتدای ساکنین این ده میباشد رسیدیم راستی خداوند قوائی در ممکنات و حقایق اشیا * خلق فرموده که بنی آدم مستعد استماع ندای الهی گشته است این قوم نیز پس از تشریح تعالیم الهی و آگاهی بر صلح و صفای وجدانی در این امر آسمانی کلا ایمان آورده و بانهایت سرور اقبال خود را بر امر مبارک اظهار نمودند بدین طریق ۸ ده تازه بی دربی مانند افواجی روحانی در مدت دو ماه مسافرت بامر مبارک

آهن (بسیح)

ایمان آوردند و باین تحول بدیع در امر مبارک حال در جزیره نورانیه (سیبروت) اکثریت نفوس مومن بامر بهائی میباشند و ادیان دیگر مجتمعاً رویهم رفته عددشان در اقلیت است از تاییدات بدیعه الهیسه حاکم این ناحیه نیز چند کتاب امری مآلعه نموده و اخیراً اظهار تمایل بامر مبارک نموده است و کلمه (اللهابهی) را در مواقع ملاقات اخبار میدارد . - بسیاری از نفوس که هنوز مومن نمیباشند در منطاولی (الله ابهی) میگویند و این سلام عمومی ساکنین آن جزیره شده است این مومنین تازه تصدیق مانند ماهیانی تشنه لب میباشند که بی دریغ تربیت و تعالیم امری احتیاج دارند و اول تقاضای آنها معلم بهائی است که حال روز شماری میکنند امید است که باتوجه - یاران عزیز این مسئول اجابت گردد و شمام دعا فرمائید برای نمونه اشتیاق یک جوان مومن منطاولی را بر امر مبارک برای شما منویسم بعد از آنکه ما وارد بندر (سیکا بالوان) که در شمال (سیبروت) قرار دارد شدیم و منتظر کشتی کوچکی که احتمال عبور از آن نقطه را داشت بودیم یکی از جوانان بهائی را که تازه چند هفته بود که تصدیق امر مبارک را کرد ماست ملاقات نمودیم این جوان از راه دور - صعب العبوری آمده بود از او پرسیدم اینجاست چه کاری دارید گفت چون ما دین سابق خود مان را رها کرده و بامر بهائی مومن شده ایم و آداب و رسوم دین تازه ما با دین سابق باید فرق داشته باشد . خواهش میکنم دعا کنید از دعا راجع به بندر بزرگتری از دین واج خواهم کرد و ما بیلحدودات از دین واج بهائی را اجراء نمایم به اندازہ ای از خلوص و روحانیت این جوان مسرور و متأثر شدم که بی اختیار او را آغوش گرفته و با هم بکلبه ای که محل اقامت حنفی بود رفتیم و غداً به از دین واج و برخی ادعیه دیگر را برایش بزبان محلی نوشتم باری اوسیارشکوی نمود و با سرور و اشله بار (الله ابهی) از ماد و رشد این نمونه از اشتیاق عزیزان منطاولی بامر مبارک حضرت بهاء الله مییاشد . با اقبال نفوس اخیره در منطاولی انشاء الله امید میرود که در رضوان آتی بفضل و موهبت الهی تعداد

مخاض محلی بهمت عزیزان منطاولی قریب به سی محفل محلی برسد و نیز در صورت امکان در نقاط جدید ایمان که همه تشنه تعالیم مبارک و تربیت و تعلیمند مدارس تازه ای افتتاح گردد در حال حاضر تعداد احبای منطاولی قریب هفت هزار نفر رویهم میباشند .

حمد الرنا العلی الاعلی و لحبوبنا البهی الابهی .

XXXXXXXX

بقیه ابادی امرالله جناب سید مصطفی روی از ص ۱۳ شاید نیرومند تر از جوانان ۲۴ ساله بنظر میرسید . اگر میشد متحرک حقیقی در در ورتین نقاط در پی کشف حقیقت است با پای پیاده هم شده خوب شدن را بد و میرسانید و اغلب اوقات موفق میشد که حقیقت را از زوای حجاب تقالید و اوهام بسر متحرکان حقیقت آشکار سازد .

روشن جناب سید مصطفی در تبلیغ این بود که در وهله اول حالت اتکالی بنفسی در سبیل کشف حقیقت در متحرکی حقیقت بوجود آورد بنحوی که تا مبرده تردیدی نسبت با استعداد و قابلیت خویش برای درک حقایق و موضوعات دینی بخود راه نهد و حالت اتکالی را که در جمیع امور به پیشوایان خوشی دارد رها ساخته و بشخصه حقایق ادیان را از تقالید و اوهام آنچه که ساخته و پرداخته دست و فکر بشر است واز آیه واجد خویش ببارت برد است تمیز دهد . بهر حال جناب سید مصطفی اساس مباحثات و مذاکرات خویش را بر پایه معلومات و اطلاعات متحرکان حقیقت استوار نمود و سرانجام آنانرا بحقیقتی که از طرف حضرت بهاء الله برجسائیان عرضه شده است هدایت مینمود .

سید مصطفی در سن ۱۹ سالگی در شهر تینگاچیون

THINGASYUN بملکوت ابهی صعود نمود

تلگراف حضرت ولی امر عزیز که بمناسبت صعود ایشان - شرفصدور یافته است بهترین یادداشت صدقات نامه کسی است که حیات خویش را وقف خدمت بامرالله نمود و آن تلگراف اینست :

بقیه در صفحه ۲۸

لوح ابن ذئب

بقلم امة الله مرضيه خانم گیل . ترجمه نقل از :
شماره ۳۳ سال دوم نشریه محفل روحانی بهائیان طهران

یکی از این طرق این بود که با اعوان و شاگردان -
خویش جسد بی جان شهید مجید میرزا اشرف را در
اصفهان لگد مال نموده بر آن قدم میزد (این میرزا
اشرف را باجناب سید اشرف که در زنجان سر بریدند
و در آثار مترجم حضرت بها^۱ الله راجع بایشسان
خوانده ایم نباید اشتباه نمود) با جمیع این احوال
حضرت بها^۱ الله این لوح منیع را با مناجات و توبه
نامه بی شروع فرموده اند که آقا نجفی تلاوت نماید
باین ناقض عهد الهی پیش نهاد عفو و بخشش میفرمایند
پس آنکه در کتاب اقدس به میرزا یحیی نابردار خیانت
کار خویش که برای قتل و اضمحلال حضرتش میکوشید
پیشنهاد عفو و بخشش میفرمایند . این وعده و پیش نهاد
عفو یکی از مواردی است که بدارا برای ما روشن میسازد
(یعنی اصل اجرای مشیت الهیه من دون مانع
ورادع - یفعل ما یشاء^۲ و لا یسئل عما یفعل^۳ - این
مسئله ثابت میکند که جماعات کبیر بشری که معتقدند
که هر امری بر اساس عقل و حکمت و عوامل صوری
مادی مکانیکی استوار است و مقدار معینی خطا ملازمه
با مقداری متناسب جزا دارد و میزان اعمال حسنه
طبق سنتی لن یتخیر متناسب با میزان پاداش میباشد
بقدر بخدا رفته اند در نظر این نفوس ذات غیب الهی
قدرتی اعلی و اصم است و طبق قوانین مکانیکی کار میکند
کیفیتی است شبیه براه آهن های خودکار زیر زمینی .
ولی بنمود این نفوس اگر اطلاق (قدرت اعلی و اصم)
شود سخت آشفته میشوند و بغضب در میآیند . حضرت
باب در کتاب بیان فارسی مسئله بدارا تشریح میفرمایند (

لوح " ابن الذئب " از الواح برجسته مشروح
اشیر حضرت بها^۱ الله است . آخرین لوحی است
از این سنخ که قبل از غروب شمس حقیقت نازل گشته
پیش از وقوع مصیبت و اندوهی که به فرموده حضرت
باب هر حزنی سایه و ظل ان حزن بوده . . . این
لوح خطاب بیکی از علما^۴ اصفهان ملقب بابن الذئب
نازل شده پدر این عالم فتوایی داد که منجر بشهادت
نورین نیرین حضرت سلطان الشهداء^۵ و حضرت محبوب
الشهدا^۶ در اصفهان گشت . این دو نفس مقدس را
در اصفهان در دو مرقد در آغوش خاک تیره جادادند
(سالها بعد خانمی امریکائی بنام کیث رانسوم که
در مقابل این مراقد زانو بر زمین زده گل نثار آن نمود
بعد از چند روز درد مهلکی این زن را از یاد آورد و
احبا^۷ او را بهمین مراقد پس آوردند و او را در قرب عثمان
مکان دفن نمودند)

این عالم که موسوم به (آقا نجفی) بود مرتکب
ذنبی لاینفر گشته بود . عهد الهی را شکسته و هتک
حرمت روح القدس نموده یعنی بواسطه جهالت یا
عدم شناسائی بخدا و عناد با زجاج سراج الهی یعنی
شخص مظهر رحمانی نورزیده بلکه نسبت بنور الهی
و کمالات رحمانی که از مراتب وجود مظهر صدانی -
اشراق نموده عداوت و بغضا نشان داده و سراج آن
زجاج را بظلمت عدوان خویش محتجب نموده بود و این
عداوت با سراج علان ندارد . . .
پس این عالم از جمیع خطاکاران و مذنبین خدا
کارتر بوده فساد و عنادش بطرق مختلفه نمودار گشته

از بیانات عالیات این لوح منیع است. (آه آه من
 غفلتی و نجلتی و خلیفتی و جبراتی التي منعتنی
 عن الورد فی الامام ب- را حدیثك و مقام یم رحمتك)
 (قد جعلت المناير لذكرك و ارتفاع كلمتك و اظهار
 امرك و انی ارتقیمت الیهما لاعلاء نقذ عهدك و القیت
 علی العباد ماناح به اهل سرادق عظمتك و سکان
 مدائن علمك) (ای رب ای رب ای رب ای رب ای رب ای رب
 ای رب ای رب ای رب ای رب ای رب اشهد بظلمی سقطت
 اثمار سدره عدلك ...)

درلی لوح باین الذئب کرارا دستور میفرمایند که
 بتضرع و دعا پردازد و حتی او را مانند یکی از اعضای
 خویش مخاطب قرار داده در مقام دیگر میفرمایند که
 قیام بر خدمت امر الهی نماید. ایمان آورد و بخدمت
 پردازد و بذیل توکل توسل نماید. بحضور حضرت
 بها* الله فائز شود (در صورتیکه هرگز زیارت -
 حضرتش نائل نشده بود) میفرماید (فی اول الامر
 طهر نفسك بما* الانتداع و زین راسك باکلیل التقوی
 ... و تل الهی الهی ... ترانی مقدما لیک ...
 . و متشبها بذیل عطاک) و همچنین میفرمایند -
 (یا شیخ قد اسمعتک تشددات عند لیب الفردوس و -
 اریناک الاثار التي انزل الله بامرہ المبرم فی سجن
 الاعظم لتقریبها عنک و تطمئن بها نفسك)

دکتر علی قلیخان مینویسد (یادداشت های خطی
 که بنوز بطبع نرسیده) که القاب مختلفه فی که
 حضرت بها* الله بآقا نجفی عنایت فرموده اند
 حکایت میکند که این لوح باین نیت نازل شده که
 نفوس کثیره آنرا تلاوت کنند. در حقیقت این لوح برای
 بیان امر الهی بجا منتهی انسانی نازل شده حالات
 و کیفیات مختلفه انسان در آن تجسم یافته و بشر -
 بغطاب منظر اکبر مختار بگشته است از جمله القاب
 شیخ در این لوح است (یا شیخ - یا ایها العالم
 الجلیل - یا ایها النافل - یا ایها المعرض بالله)
 گاهی نیز نفوس دیگری مذکور گشته اند (ای اهل

بها) (یا هادی) در این لوح منیع نه تنها علما
 سوئی را می شناسید که در هر ظهور ناسرا از شناسائی
 مظهر الهی مانع گشته اند بلکه از علمای خوبی که
 (فی الحقیقه بطراز علم و اخلاق مزین اند ایشان
 بمثابة سند از برای همگن عالم و مانند بصر از برای
 اسم) و علما* فی البها که در کتاب الهی مذکورند
 در این صحیفه از کار بیام آمده . در این لوح
 سلطان و عالم و مومن هادی و زاهد و خاطی را می یابید
 . پس این لوح از توفیقی انفرادی و خصوصی به مراتب
 شتی اعلی است . رساله مهمه ایست که حاوی شرح
 از مسائل عمومی امر الهی است . حضرت بها* الله
 در این صحیفه بفرموده حضرت ولی امر الله بعضی از
 بیانات عالیات خویش را که واجد خصوصیتی مخصوص
 و شهرت و معروفیتی معلوم بوده نقل فرموده و ادله
 و براهینی بر اثبات حقانیت امر خویش اقامه نموده اند .
 اغلب کتب شخص را بمولف آشنا و نزدیک میکنند
 ولی با زیارت آثار قلم اعلی حضرت بها* الله جل
 اسمه الاعلی از انظار پنهان و در حجاب نور مستور
 میشوند . طبق بیان حضرت ولی امر الله در سفر کریم
 (دوره بها* الله) جلال و جبروت حضرتش از حیث
 تقرب اجل و اعلی است .

گفته شاعر معروف آلمانی میگوید (بر فراز جمیع
 قلل نعمت استراحت مقرر است) این کتاب را نگارنده
 سه دنعه خوانده و مدت ها در آن تعمین و تدقیق
 نموده ام . بنظر من چنین میرسد که شاید فزون جمیع
 قلل قله های دیگری گردن کشیده باشد .
 خواننده این لوح بخیال محال مشتاقی است که
 تمام آنرا در یک جلسه تلاوت نماید . تلاوت بسرعت
 ای میشود . ترجمه انگلیسی آن توسط حضرت ولی
 امر الله شاهکاری خالی از غلط است . حین تلاوت
 حرص و ولع خواننده برای خواندن روبرو از یاد است
 و نمیتواند از خواندن دست بردارد و در باره هر نکته
 مذاقه نماید زیرا توه فی مرموز او را در قبضه اقتدار

آهنسنگ بدیع

شلیپر اهل کستانتز در ایالت بادن در سال ۱۸۷۹-
اختراع نمود و دکتر لودویگ لازاروس زامنهوف از لسان
امپراتو اختراعی خود در سال ۱۸۸۷ برای دفعه
اول در جرید ذکر کرد (بکتاب لغت نیواینترناسیونال
دیکشنری ویستر چاپ ۱۹۲۹ مراجعه شود)

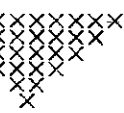
در این لوح نبتة ای از سنن و قوانین اخلاقی
زیارت میشود از آنجمله است :

(ان یسبکم احدٌ او یمسکم ضربی سبیل الله اصبروا
و تولکوا علی السامع البصیر) (قل سیف الحکمه اخر
من الصیف واحدٌ من الصیف الحدید ان کنتم عارفين
(لا تحرموا الفقرا عما اتاکم الله من فضله انه
یعطیکم ضعف ما عندکم انه هو المعطى الکریم) -
(کن فی النعمة منقفاً وفی فقد ها شاکراً . . . وفی
الجمع صامتا . . . وفی القضاة عادلاً . . . وللمکروب
ملجاً * وللمظلوم ناصراً وعضداً وظهراً . . . و -
للغریب وطناً) تاکید میشود که دائماً خشية الله
در نظر باشد و فراموش نشود (براستی میگویم حفظ
مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم خشية الله
بوده است سبب اکبر از برای حفظ بشر) اهل تتبع
و تحقیق در سرور قرآنیه میدانند که در کتاب الهی
خشية الله تاجه حد مورد تاکید بوده است .

در بین تمام این قبیل دستورات اخلاقی حضرت
بها* الله میفرماید : (ملاحظه شئون سلاطین مبین
عند الله بوده) و همچنین (هر ملتی باید مقام سلطنت
را ملاحظه نماید) و جمله (مالم یصر لقیصر و مالم یصر
را بنحوی ترجمه و تبیین میفرمایند که خیلی با معنائیکه
در عالم مسیحیت درالسن جاری است تفاوت دارد .

مسیحیون قیصر را معزز بالله میدانند و این تعبیر با
دستورات بهائی راجع بمقام سلطنت بینونت دارد .

بقیه در شماره بعد



خویشر . مفسور نموده مطالبی را در ذهن یاد داشت میکند
که بعد اباردیگر مرور نماید .
در این لوح آیات ذیل مشاهده میشود .

(انی لمن احبنی واخذ او امری و نبذ دائمی عنه فسی
کتابی) (و در بعضی از اوقات هم بعضی بدلسام الله
مرزوق یعنی جوع) (در خزاین علوم الهی علمی موجود
که عمل بآن خوف را زائل مینماید و لکن علی قدر معلوم) -
(ان الاعمال تقبل بعد الاقبال من اعز من الحق انه
من اعجب الخلق . . .) (ان العالم من اعترف بظهور
و شرب من بحر علی و طار فی هوا * حبیبی و نبذ ما سوائی
واخذ ما نزل من ملکوت بیانی البدیع انه بمنزلة البصر
للشیر و روح الحیوان لجسد الامکان) (سلطان عادل -
عند الله اقرب است از کل یشهد بذلك من ینطق فسی
السجن الاعظم)

در وصف اهل بها از قلم اعلی این کلمات نازل شده
(انهم رجال لویمرون علی مدائن الذهب لا یلتفتون
الیها)

در این لوح نکاتی تاریخی موجود است که مبداء -
تبسیات و تحقیقات دقیق آینده خواهد بود مثلاً از اولین
نامزد حضرت مولی الوری و دستگیری جمال اقدس ابهی
در نیاوران و نوع زنجیر سجن و تحریرات و افسادات -
مأمورین ایران در مدینه کبیره (اسلامبول) و خودکشی
حاج شیخ محمد علی در مسجد جامع مالح میسوم و -
میفهمیم که میرزا یحیی از ایران سرزود شده بود و آثار
حضرت نقطه را میرزا یحیی در بغداد واگذار داشت و هاد
دولت آبادی در صدد برآمد نسخ کتاب بیان را از زمین
ببرد و ازلیها سعی کرد ندحاج سید - واد کربلائی را یکی
از خودشان معرفی کنند و حضرت بها* الله هرگز کتاب
بیان را مرور نفرموده بودند و نیز در سال ۱۸۶۳ -
(این تاریخ از سفر کریم لقا* الرب ذکر شده است
جمال اقدس ابهی بکمال پاشا ذکر نمودند که حکومت
علیه مجلسی ترتیب دهند و لسانی عمومی و خلی -
بین المللی اختراع نمایند (لسلن ولا ینیک را مهان مارتین

پیغام آشنا

علوم و معارف روحانی

چون تلاوت آیات الله و نشر نجات الله و اکتساب محارف الهی و آموختن تعالیم ربانی و اطلاع از نظم بدیع و احکام آسمانی برکل فرض است و سبب هدایت من علی الارض بمنظور اجرای یکی از وایای مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه لجنه ملی نشر آثار امریه تکمیل کتب نفیسه همت گماشته و در دسترس اجنبای عزیز الهی گذاشته تا این نعمت را منتقم شعریه و از آن جوان بیگران بهره و نصیب بریم و شکر این موهبت برداریم و تحصیل و ترویج کتب و مجلات امریه را وجهه همت سازیم و در اجرای تعالیم مقدسه جاهه عمل پوشیم و سخن دوست یگتا را بگوشه پیمان نیوشیم که گفته اند

"از هر چه بگذری سخن دوست غوشت را ست راست" پیغام آشنای نفس روح پرور است

هر چند اوصاف بیانات آلهیه خارج از حد سخن است و لسان بندگان در وصف آن عاجز و لکن لکن از آنجا که قرائت کتب برای آموختن علوم و فنون نافع می یکی از اوامر این ظهور اعظم است اینک بنحو ام وصف هر کتاب مفیدی بزبان قلم جاریست و از حق الب تائید و یاریست

کتاب

یار دلتوازیست که چون لب بگشاید با هزار زبان بسخن بردارد و ادیب نکه بردار نیست که با بیان بدیع و مسانی لدایف منطقی اهل ادب را گویا سازد آنچه است که بی رنج فراهم آید و فرشته ایست که ابواب سعادت بگشاید شجر نیست که اثمارش قوت روانست و در رفتی است که او را قشر آیات رحمان توه اش جسم را وسیله پرواز در عوالم روح است و قدرتش روح را مفتاح فتوح آموزگار نیست که صحبتش دولت جان پرور است و اوستا نیست که سینه اش گنجینه علم و هنر محبوب است که قلبش گوهر مهر و وفاست و معشوقی است که وجودش آیه است صدق و صفا .

یاری زحمت و آزار کتاب است کتاب
مونس و همدم ابرار کتاب است کتاب
بیگران قلزم ذخایر کتاب است کتاب
برترین حجه دادار کتاب است کتاب
علم را کاشف اسرار کتاب است کتاب
واندرا ن مطلع انوار کتاب است کتاب
و آنچه روشن کند افکار کتاب است کتاب
زان به از لوه لوه شهوار کتاب است کتاب
لیک آن گلشن و گلزار کتاب است کتاب
گر بیاران رسد از یار کتاب است کتاب

بهترین یار وفادار کتاب است کتاب
دوستان رازره مهرندیم است ندیم
ژرف دریای گهر خیز کلام است کلام
بهر اثبات حق آیات دلیل است دلیل
شرف اشرف مخلوق بعلم است بعلم
منزل مالک ایجاد نواد است نواد
آنچه مصباح عقول است ضرور است ضرور
چون روانبخش نفوس است نفیس است نفیس
ساحت گلشن و گلزار بهشت است بهشت
بهترین تحفه که از یار عزیز است عزیز

شعر روحانی از آثار بدیع است بدیع
و آنهمه ابداع آثار کتاب است کتاب

جواب سوالات

یکی از خوانندگان عزیز آهنگ بدیع از ما میپرسند : "... اینکه در آثار امری آمده است که حیوان نیز دارای روح است آیا روح حیوان نیز مانند روح انسان پس از موت باقی و برقرار است؟

جواب این سؤال را حضرت مولی الوری در کتاب مستطاب مفاوضات در فصل مربوط به " کلیه ارواح پنج قسم است" چنین بیان میفرمایند قوله الاحلی :

"... و بعد از آن روح حیوانیست که آن نیز چنین است از امتزاج عناصر است که ترکیب میشود ولی این ترکیب مکملتر است و بتقدیر است قدیر امتزاج تام پیدا کند و روح حیوانی که عبارت از قوه حساسه است پیدا شود و احساس حقائق محسوسه از مبصر و منظور و مسموع و مطعموم و مسموم و ملموس نماید آن نیز بعد از تفریق و تحلیل اجزای مرکبه بالطبع محو میشود مانند این چراغ که مشاهده مینمائید که چون اینروغن و فتیل و آتش با هم جمع شود روشنائی حاصل گردد و چون روغن تلم شود و فتیل بسوزد آن نور نیز محو گردد."

خواننده دیگری پرسیده اند :

"... آیا حضرت رب اعلی جز بیان فارسی و عربی و کتاب قیوم الاسما* و تفسیر سوره کوثر اثر دیگری دارند یا خیر..."

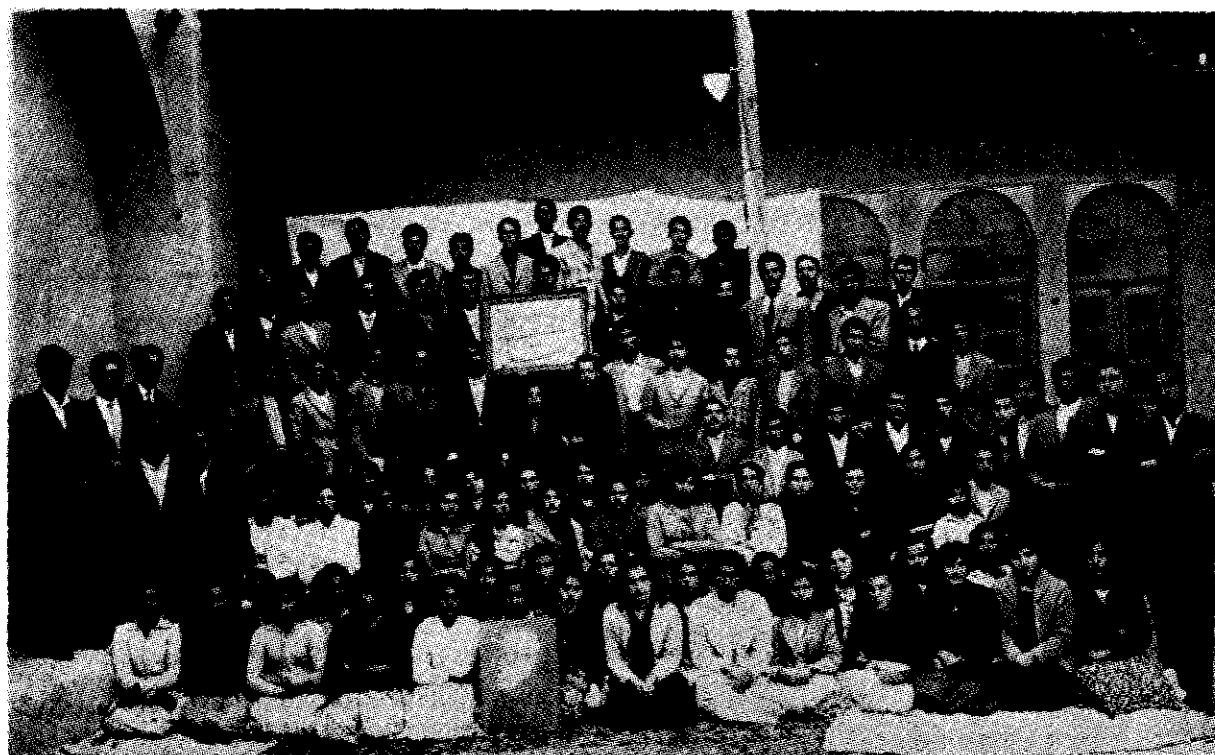
جواب : اولاً حضرت اعلی در بیان فارسی میفرمایند که آثار منزله از قلم مبارک بالغ بر انصد هزار بیت است. ثانیاً هیکل اطهر حضرت ولی امرالله در کتاب امریهائی (۱۸۵۰-۱۹۴۴) صفحه ۱۰ ترجمه فارسی تحت عنوان " فهرست مصروفترین آثار حضرت باب" به ۲۳ اثر از حضرت نقطه اولی بشرح زیر اشاره فرموده اند :

۱- بیان فارسی	۹- صحیفه منزومیه	۱۷- کتاب الروح
۲- بیان عربی	۱۰- صحیفه جعفریه	۱۸- سوره توحید
۳- قیوم الاسما*	۱۱- زیارت شاه عبدالعظیم	۱۹- لوح حروفات
۴- صحیفه الحرمین	۱۲- کتاب پنج شأن	۲۰- تفسیر نبوت خاصه
۵- دلائل السبعه	۱۳- صحیفه رضویه	۲۱- رساله فروع عدلیه
۶- تفسیر سوره کوثر	۱۴- رساله عدلیه	۲۲- حصائل السبعه
۷- تفسیر سوره و العصر	۱۵- رساله تقیه	۲۳- توقیعات محمد شاه و حاجی میرزا آغاسی
۸- کتاب اسما*	۱۶- رساله ذهبیه	

برای اطلاع خوانندگان علاقمند باستحضار میرساند که آهنگ بدیع در صد دست در آتیه نزدیکی بتدریج پاره ای از این آثار مبارکه را معرفی نماید



کلاس درس احکام و تبلیغ در شاه آباد عراق



جشن بین المللی جوانان بهائی نجف آباد سنه ۱۱۹ بدیع

در فتوایها بسیار عزیز بسیار بسیار با زبان

بیاد بود پدرم مرحوم غلامحسین قدیریان که
در هجرت سال ۱۸ بدیع در علی آباد گرگان
صعود نمود .

۶۹ سال قبل در یک خانواده مسلمانی در سنگسر چشم
بمعالم وجود گشود و دور از آغوش امر پرورش یافته بود
ولی در ایام شباب ناگهان بزتوی از شمس حقیقت عرصه
حیاتش را روشن ساخت و او را بشرف ایمان متباهی
گردانید از آن پس با تمامی وجود و قلب و روحش محبوب
محبوبش را میپرستید و آرزوی خدمتی در سبیل امرش
مینمود . ای بسا که در سحرگاهان دستهای تمنا و —
رجایش بسوی آسمان بلند و لسانش باین ترانه ملکوتی
مترنم

هر طرف ای مولا جان بک ای مولا

از شمع ای مولا بنده سلطان بین

آتش موسی بین شعله سینا بین

نفسه عیسی بین بیدارشوید ارشو

ای صبح ظهورها ای شمس حضور بها

ایخمر ظهورها این جوفه عطشان بین

آتش موسی بین شعله سینا بین

نفسه عیسی بین بیدارشوید ارشو

هرجا که صحبت از توسعه و اقتدار امر میشد سروری
نهانی چهره اش را شگفته میساخت و جلوه دیگری
باو میداد ۶۷ ساله بود که با تمام ناتوانی و مشکلات
زندگانی در رنگ را جایز ندانست و مردانه قیام بهجرت
نمود و ترک سرو سامان گفت و در یکی از قرا بهعیده —
شمال ایران مسکن گرفت و با وجود کسالت استقامت
ورزید و افتخار میکرد که فرمان محبوبش را لبیک گفته
عاقبت مرغ روح او در کلبه کوچک روستایش بسوی

آنروز در چهره ساکت و محجوبش شوق و شور بیمتنهایی
مستور داشت و از ژرفای دیدگان آرامش بزتوی از نور
و فروغ امید و ایمان میدرخشید . هر چند قامت —
سالخورده اش در زیر بار رنج و محنت حیات ضعیف و
شکسته بود ولی قلبش قوه خدائی داشت و روح پاکش
هنوز سرشار از عشق و محبت الهی بود در دل میگفتیم
(زنده با سم اعظمی رنجور بلا را دیگر چه غمی) تصمیم
گرفته بود با همه ضعف و کهنلت پیری بر خدمت امرالله
قیام نماید و فرمان هجرت مولایش را لبیک گوید همتگام
رفتن در نهایت تسلیم و رضا و فرح و انبساط بود و چون
سربازی دلیر و دلباخته ولی رنجور و سالخورده عزم
جبهه مهاجرت در سرداشت در عقیده خود را سخ بود
و بر عهد و بیعتش وفادار . بهترین توشه اش ایمان —
بساحت جمال الهی بود و ثروت و غنائی جز این گنج
بقا نمیخواست و بملکت جهان پشت پا میزد

در آخرین لحظه وداع در حالیکه تبسم ملیحی بر لب
داشت بستگان و عزیزان خود را در آغوش کشید و بوسید
آنگاه با سفر بدوش گرفت و ترک خانه و زندگی گفت و رفت
همه با چشمان اشکبار آن پدر عزیز آن شیدائی با ده
محبت الله را که بقصد هجرت شتافته بود بدرقه کرگ
و تأیید و توفیق بی منتهی برایش آرزو نمودیم . موقع
حرکت هرگز در سیمای زیبایش آثار یا سرو تردید نمودار —
نیود و از مشکلات روزگار هراسی نداشت او پویای راه
حقیقت بود راهی که ایمان داشت سرانجامش وحدت
طل در ظل خیمه یکرنگی و یگانگی است

احسن التقوم یا کلزار نعیم

خیل سہیل

حضرت نعیم جناب عبدالحسین نعیمی علیہ بہا اللہ دیوان اشعار آن جناب با نہایت دقت و زیبائی - بی نظیری در ہندوستان مطبوع و منتشر گردیدہ کہ بنظر نگارندہ واجد امتیازات ذیل نسبت بنسخہ ہا پیشین است

۱- الواحی کہ بافتخار حضرت نعیم از قلم اعلیٰ و کلک اطہر میثاق نازل شدہ در مقدمہ کتاب درج - گردیدہ است و نیز عکس خط اصل چند لوح مبارک عینا گراور شدہ است

۲- اشعار از روی نسخہ خط خود شاعر استنساخ - گردیدہ و صحت آن مسلم است

۳- شرح زندگانی آن بزرگوار بقلم مرحوم دبیر مؤید نعیمی (داماد ایشان) در مقدمہ آمدہ است

۴- در حاشیہ صفحات آیات قرآن و کتب مقدسہ دیگر واحادیثی کہ در شعر بآنها اشارہ شدہ بود - را ہنمائی گردیدہ است

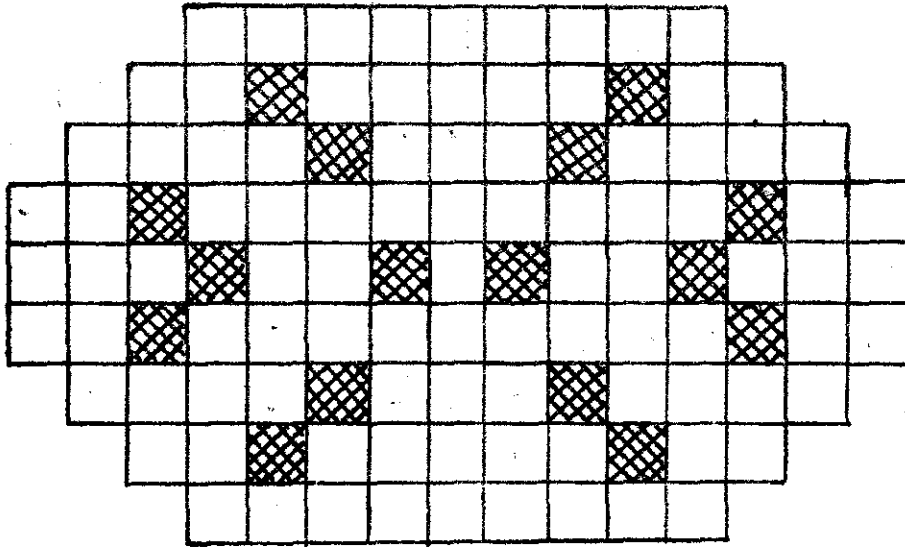
۵- باخط خوش نستعلیق و کاغذ و صحافی مرغوب و زیبا تہیہ شدہ است

این مجدوعہ کہ با امتیازات مذکورہ در ۳۱۹ صفحہ بقطع پستی توسط مؤسسہ مطبوعاتی بہائی ہند در دہلی جدید بنحو بسیار زیبا و شایستہ ای چاپ و باحبابہ عزیز عرضہ شدہ جادارد کہ مورد استقبال شایستہ عموم قرار گیرد و این خود بہترین یاداشی است کہ میتواند در برابر زحمات ناشر محترم کتاب بمعظم لہ تقدیم گردد



یکی از شاعران قرن اخیر زبان فارسی کہ بحق اورا میتوان از شعراء نامی ایران بشمار آورد و قدرت سخنوری و حسن اسلوب و توانائیش در انشاء شعر مورد قبول اہل سخن میتواند قرار گیرد حضرت محمد نعیم است کہ از - کلک اطہر میثاق (ہزار ہزار آواز) مخاطب شدہ و نہ تنها در جمع اہل بہا معرفتی و محبوبیتی بسزا دارد و آثارش را چہ بصورت مجموع و چہ پر آگندہ در ہر خانہ و در نزد ہر کس میتوان یافت بلکہ در میان جامعہ اہل ذوق غیر بہائی ہم بمناسبت دواثرش (یکی خمس و دیگری قصیدہ مطول نونینہ کہ قسمتی از آن در جلد چہارم تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برون ترجمہ مرحوم رشیدیاسی چاپ اول درج شدہ است) معروف میباشد این بزرگوار کہ ترجمہ حیاتش خود نمونہ و سرلیہ مشقی از استقامت و فداکاری است یا تصنیف منظومہ استدلال کہ بشکل ترکیب بند و بنام (احسن التقوم یا کلزار نعیم) موسوم است خدمت عظیمی بہ تبلیغ امراللہ نمودہ و اثری ارزندہ و بسیار مفید بجامعہ بہائی تقدیم داشتہ کہ ہمیشہ مورد استفادہ خوانندگان بودہ و در آیندہ ہم خواہد بود ولی نکتہ کہ ہموارہ موجب نگرانی و تأسف قرار داشت این بود کہ اثر گرانبہای مزبور کہ تاکنون بدفعات مکرر و باشکال گوناگون منتشر شدہ - بدون رعایت دقت لازم و اغلب دارای اغلال و اشتباہات بودہ است و از طرفی ہم آیات و احادیثی کفہر غلال اشعار بدان اشارہ گردیدہ بدون راہنما و فہم آن برای خوانندہ بس مشکل بودہ است ولی اشیرا این نگرانی مرتفع شدہ و در اثر ہمت و اقدام فرزند برومند

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹

جدول آهنگ بدیع
شماره ۸

افقی

- ۱- تحقق این امر هادم تقلید و تعصبات دینی است ۲- آب پاك در اصطلاح فقه اسلام - نوعی از فقر -
- مادر ۳- مهربانی - از آن طرف حیاتی ترین مایع زندگی است - پاك و منزئ ۴- از حروف بسیار معروف -
- تفسیر سوره یوسف پروردگار ۵- شاخه نیست - پایتخت یکی از کشورهای اروپائی - هرگز - عام نیست
- ۶- تفسی عربی - نام مجموعه ای بدون از تعالیم دوازده گانه امر بهائی ۷- لعل و جواهر ۷- ثروت و
- مال دنیا - صحیح نیست - یکی از مراکز حج بهائی در این کشور است ۸- اگر با ارض هضم شود مقصود
- موطن جمال مبارك است - کلمه و یا جمله ای را برخلاف ظاهر معنی کردن - نیکی - ۹- ام المعابد
- اروپا هم اکنون در این شهر ساخته میشود .

عمودی

- ۱- ریمان ۲- موطن طلعت اعلی ۳- اگر بانفس همراه شود پرهیزگاری معنی میدهد - اینهم باید در
- آینده یکی شود . ۴- یکی از شهدای بنام امر - اگر بجای حرف آخرش (ك) بگذارید پایتخت یکی از -
- کشورهای اروپائی میشود ۵- حقیقت را غیر واقع جلوه دادن ۶- دام بی انتها - آسمان - از حروف اضافه
- ۷- تفریح - از پیر آن در اشعار شعر از یاد سخن رفته است - ۸- از آثار مهم جمال مبارك ۹- خارج نیست
- برک گل اینچنین است . ۱۰- از سوره های معروف قرآن مجید - وسیله ای برای پسر انداز - رنگی است کسه
- آخرش پاك شده - ۱۱- طبیعی نیست ۱۲- از انواع اقسام در زبان عربی - خاک ۱۳- اثر جاذبه ماه بر رویها
- صد متر است ۱۴- باغها و گلستانها - ۱۵- دیده .

آهنگ بدیع و خوانندگان

★ جناب عزیز الله کاشانی قطعه شعری با مطلع :
اگر ز ثروت دنیا کف تو مالی نیست
چه غم خوری که غنای هر کس جلالی نیست

برای ما ارسال داشته اند . از ابیات جالب ایمن
قطعه یکی هم بیت ذیل است :
برو بملکت عشق و یاد شاهسی کن
که شهر عشق و صفاراد گرزوالی نیست
در انتظار وصول اشعار دیگری از جناب کاشانی هستیم

★ دوست با ذوق و خوش قریحه ما جناب عنایت الله
هنرمند آن متخلص به "فانی" نیز قطعه شعر جالبی برای
ما ارسال داشته اند که ذیلا چند بیت آنرا برای استفاده
خوانندگان عزیز درج مینمائیم و از جناب هنرمندان
متشکریم :

بسوزجان من ای آتشی که جانسوزی
بسوز تا که دلم رابحق برافروزی
تو آن نجسته کریمی که هر کریمی راست
بیاب مرحمت آرزوی در سوزی
بهار عشق رسیده است روز نوروز است
بگوش میرفندم آن پیام نوروزی
بپوش باش که در مکتب بها "فانی"
بخیر درس فنا مطلبی نیاموزی
"هیئت تحریریه آهنگ بدیع"



★ همزمان با انتشار اولین شماره آهنگ بدیع در سال
جدید فرصت رامنتنم شمرده و از جمیع دوستان و
همکاران عزیز و ارجمندی که طی سال گذشته بنحوی
از اتحاد ما را در انتشار آهنگ بدیع یاری و یابوری نمود
نموده اند صمیمانه تشکر میکنیم و امیدواریم که همکاران
عزیز در سال جدید نیز لطف و مساعدت خویش را از ما
دریغ ندارند .

★ در آغاز سال جدید وظیفه خود میدانیم که از توجهها
مستمر محفل مقدس روحانی وطنی و مساعدتهای فاضلانه
فرد فرد اعضای محترم لجنه مجله تصویب تألیفات و
نیز از مراقبت و توجه لجنه مجله نشر آثار امزی و -
همکاری و معاضدت صمیمانه متصدیان محترم مؤسسه
مطبوعات امری که توجه و مساعدت و مراقبت و معاضدت
همگی آنان در انتشار آهنگ بدیع و بهبود وضع آن
تأثیر کلی داشته و دارد صمیمانه تشکر کنیم . آرزو مندیم
که در سال جدید کماکان از توجه و لطف و همکاری این
مؤسسات جلیله برخوردار گردیم .

★ دوست عزیز ما جناب هدایت الله جاوید که
از همکاران صمیمی و علاقمند آهنگ بدیع هستند . ترجمه
مقاله ای را تحت عنوان "این معبد" برای ما ارسال
داشته اند . این مقاله مربوط است بکیفیت ساختمان
مشرق الاذکار امریکا و تأثیرات روحانیه آن . با الهام
اقتنان از جناب جاوید امیدواریم که کماکان همکاری
خویش را با ما ادامه دهند .

"از صعود خادم برانزده محبوب امر حضرت بها * الله سید مہطفی بملکوت اعلیٰ قلوب متالم آن متصاعد الیٰ الرشته ثابت برام و دارای فکری بلند و روحی پرفتوح بود . سابقہٴ ممتاز خدمات باہرہ اش ہم در میدان تبلیغ و ہم در خدمات اداری در دورہٴ اولیہ و در دورہٴ تشکیلاتی کور بہائی ساطع و لامع بیاس خدمات جلیلہ اثر رتبہ ایادی امر حضرت بها * الله را حائز و رمسش در رأس مراقد جامعہ یاران برما محسوب مقتضی است محافل تذکری بیاد خدمات ابدیش در سراسر ہند و برما برپا گردد . بیاران ہند و برما تأکید میشود کہ در بنای مرقد آن متصاعد الیٰ الله شرکت نمایند . تلگرافا ۳۰۰ لیرہٴ حجت شرکت در این منظور جلیل ارسال میگردد . (شوقی ریائی)

بقیہ درود بتوای مهاجر عزیز از ص ۲۴

آسمان پرواز نمود و در ملکوت ابہی مقرر گرفت .
 درود بر روح توای پدر عزیز بتوای مهاجر دلیر توای سرباز جانباخته جہاد روحانی کہ نہ رنج پیری و نہ سختی معیشت نہ مشکلات راہ نہ ترک خانہ و زندگی هیچکدام ترا از کسب رضای محبوب باز نہ داشت
 و ہراسان نساخت بلکہ باعزی آہنین امر مولای خود را گردن نہادی درود و تکبیر بتوای سرباز بہائی کہ قیام و اقدام تو در سبیل اہداف جہاد روحانی چون تاج افتخاری بر تارک فرزندانت خواہد درخشید و باعث مہاہات آنها خواہد بود آرام بخواب کہ سنگر تورا در جیبہ مهاجرین و مجاہدین امر اللہ حفظ خواہیم کرد و در سیر اقدام تو حرکت خواہیم نمود و در راہ پیروزی این امر الہی باتو شریک و ہمعانان خواہیم شد تو در چشم انداز ما پدیری مہربان و محبوب ولی در چشم انداز جامعہ امر سربازی دلیر و جان برکف بودی
 تکبیر و درود بشما ای مهاجرین عزیز . بشما ای سرگشتگان سبیل مقصود کہ در بر تو روشنائیہای این امر دلیرانہ پیش میروید و چون شعلہ اران فدائکار از ظلمت جہان خاک را در ہم میشکنید و پرتو تعالیم بارمغان -
 میدہید

۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

حل جدول شماره ۸

۸

+++++ تقاضا از خوانندگان گرامی +++++

در شماره های ۸ و ۹ آهنگ بدیع مربوط به مآلهای آبان و آذر ۴۰ و شماره

۱۰ مربوط به دیماه ۱۳۴۰ متأسفانه اشتباهاتی موجود که بدینوسیله از -

نویسندگان محترم مقالات مورد بحث پوزش طلبیده و از خوانندگان عزیز تقاضا

مینماید بشن زبوتصحیح فرمایند .

۱- در شماره ۸ و ۹ صفحه ۲۱۱-جمله "ترجمه و اقتباس محمود مجذوب" غلط

و بجای آن "نوشته محمود مجذوب" صحیح است .

۲- و نیز در همان شماره :

الف - در صفحه ۲۲۷ سطر ۲۵ "خمسه متفرقه" غلط بوده صحیح آن -

"خمسه مسترقة" است

ب - در صفحه ۲۲۷ ستون دوم سطر ۲۳ "و تا" بین ایام ها "غلط بوده و

صحیح آن "و تا" سپس ایام ها "میباشد .

ج - صفحه ۲۳۷ سطر ۲۸ "ذات اقدس ابهی" غلط و صحیح آن -

"ذات اقدس الہی" میباشد .

۳- در شماره دهم صفحه ۲۴۴ از سطر سوم آیه کتاب مستطاب اقدس بشرح

زیر صحیح است .

"لو یجد احد حلاوة البیان الذی ظہر من فم مشیة الرحمن لینفق ما

عندہ ولو یكون خزائن الارض کلها لیثبت امرنا من اوامره المشرقة من افسق

العناية والالطاف ."

+++++

